



فهرنامه ایران و چین

گردآورنده: کمیته اقتصادی - بازرگانی، انجمن دوستی ایران و چین / www.ircfa.ir

اخبار ، رویدادها ، وقایع روزانه ، مقالات تحلیلی ، علمی ، پژوهشی در مورد کشور چین و روابط دو جانبه که در رسانه های ایران انتشار یافته ، جمع آوری و از طریق این خبرنامه به علاقمندان بصورت محدود اطلاع رسانی میگردد.

انتشار مطالب خبری و تحلیلی رسانه های داخلی و خارجی لزوما به معنای تایید محتوای آن نیست و صرفا جهت اطلاع کاربران از فضای رسانه ای بازنشر می شود.



بسمه تعالی

پانزده خبر و مقاله در مورد چین در جراید و خبرگزاریهای ایران

چهارشنبه ۱۳۹۹/۰۵/۱۵

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بِهٍ خَيْرًا رَزَقَهُ اللَّهُ خَلِيلًا صَالِحًا؛

هر کس که خداوند برای او خیر بخواهد، دوستی شایسته نصیب وی خواهد نمود

نهج الفصاحه، ح ۳۰۶۴

جان نباشد جز خبر در آزمون هر که را افزون خبر جانش فزون

اقتضای جان تو، ای دل آگهیست هر که آگه تر بود جانش قویست

حضرت جلال الدین محمد بلخی

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد نهال دشمنی برکن که رفج بی شمار آرد

حضرت خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی



فهرست سرخط اخبار امروز، ۱۵ / مرداد / ۱۳۹۹:

- روزنامه دنیای اقتصاد:

۱. نشریه آمریکایی «نشال اینترست»: برای اتحاد بزرگ چین و ایران آماده شوید
۲. نقش موثر سند همکاری با چین بر اقتصاد ایران
- **خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا):**
۳. ۱۴ مرداد ۱۳۹۹؛ کاهش قیمت رسمی ۲۲ ارز
۴. ۱۵ مرداد ۱۳۹۹؛ افزایش بهای رسمی ۲۷ ارز
۵. نشست مجازی توسعه روابط فرهنگی ایران و چین برگزار شد
۶. چشم‌انداز مبهم اقتصاد شرق آسیا در سایه کرونا
۷. آسیا نایمز: توفانی سهمگین در حال غرق کردن دلار افسانه ای است
۸. ساوت چاینا: خطر ترامپ برای آمریکا بیش از چین و کرونا است

- خبرگزاری صدا و سیما:

۹. برای مقابله با هجوم ملخ / چین ۳۸ پهپاد به پاکستان ارسال می‌کند
۱۰. سازمان ملی هواشناسی چین اعلام کرد؛ طوفان و بارندگی شدید در شرق چین
۱۱. در پیامی توییتری / عصبانیت پمپئو از همکاری‌های راهبردی ایران و چین

- تیتریک:

۱۲. بین الملل "تیترا" / حضور تیم سازمان بهداشت جهانی در چین / دلیل جهش کروناویروس از حیوان به انسان چیست؟

- خبرگزاری تسنیم:

۱۳. رادیو بین‌المللی چین: ممنوعیت استفاده از «تیک تاک» یک تراژدی برای آمریکاست

- فانوس زاگرس:

۱۴. خوش‌بینی به شرق

- مردم سالاری:

۱۵. حمیدرضا ایلخانی کارشناس حقوق بین‌الملل: ایران بازنده سند راهبردی با چین خواهد بود، مگر آنکه چین هم تعهداتی بدهد

خبرنامه:

- حدیث هفته (۲۰): از امام الهادی علیه السلام: «حوادث ناگوار و ثواب آخرت» (بمناسبت ولادت امام الهادی "ع")
- حدیث هفته (۲۰): از امام الهادی علیه السلام: «نحوه جبران شکست ها» (بمناسبت بمناسبت ولادت امام الهادی "ع")

- روزنامه دنیای اقتصاد:

نشریه آمریکایی «نشنال اینترست» برای اتحاد بزرگ چین و ایران آماده شوید

دنیای اقتصاد: روبرت استون در مقاله‌ای تحت عنوان «برای اتحاد بزرگ چین و ایران آماده شوید» در نشنال اینترست نوشت: «هند شریک اصلی ایالات متحده به منظور مهار چین است. اما سیاست دونالد ترامپ در مقابل ایران، موقعیت دهلی نو را در منطقه تضعیف کرده و در عین حال نتوانسته است از تهران امتیازات قابل توجهی به دست آورد». به گزارش پایگاه خبری «انتخاب»، در ادامه این مطلب آمده است: «گزارش‌های مربوط به توافق نامه ۲۵ ساله بین چین و ایران باعث تحریک واشنگتن شده و نشان می‌دهد کمپین فشار حداکثری ترامپ برای منزوی کردن تهران با شکست مواجه شده است». نگرانی هند // اما ایالات متحده تنها کشوری نیست که نگران آینده اتحاد بزرگ چین و ایران است. هند نیز سرمایه‌گذاری‌های گوناگونی در ایران انجام داده است که گسترش روابط اقتصادی ایران و چین تهدیدی علیه آنها به شمار می‌رود. علائم هشداردهنده‌ای در حال حاضر نیز وجود دارند. به طور مثال، طبق گزارش‌ها، شرکت‌های هندی از زمانی که قرار شده است چین در ایران سرمایه‌گذاری داشته باشد، از معاملات حمل‌ونقل و انرژی ایران کنار گذاشته شده‌اند. شرایط فعلی، این نگرانی را ایجاد می‌کند که پکن، هند را از ایران خارج کند. تعجب‌آور نیست که توافق نامه ایران و چین، رنگ‌های خطر را در دهلی نو به صدا در آورده است. نه تنها در حال حاضر روابط هند و چین بر اثر تشدید اختلافات مرزی آسیب دیده است، بلکه دهلی نو مدت‌هاست که از تاثیر فزاینده چین در همسایگی خود نگران است. پکن در چارچوب طرح یک کمربند و یک جاده خود، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های استراتژیک زیرساختی در منطقه اقیانوس هند از جمله بندرهایی که ممکن است در نهایت کاربرد نظامی داشته باشند را طرح‌ریزی کرده است. یکی از این بنادر استراتژیک، بندر گوادر در پاکستان است. شواهد نشان می‌دهد، ترس دهلی نو از اینکه چین در تلاش است تا هند را از ایران بیرون کند، بی‌مورد نیست. ولی در حالی که پروژه‌های هندی واقعا در تلاشند تا شرایط مناسبی در ایران به دست آورند، با مشکل مواجه هستند. این مشکلات نتیجه تحریم‌های ایالات متحده است نه تلاش چین برای توسعه نفوذ. در واقع، توافق نامه چین و ایران به مراتب کمتر از آنچه رسانه‌های خبری نشان می‌دهند، قابل توجه است. هند برای چند دهه تلاش کرده است حضور خود را در ایران تقویت کند، اما این تلاش‌ها با لغو تحریم‌ها علیه اقتصاد ایران پس از انعقاد توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ جان تازه‌ای گرفتند. نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند پس از توافق هسته‌ای ایران به سرعت در راستای نزدیک شدن به ایران گام برداشت. تهران چیزهای زیادی برای عرضه داشت، از جمله منابع انرژی فراوان. همچنین ایران دروازه‌ای به افغانستان و آسیای میانه برای هند بود که پاکستان را دور می‌زد و صادرات هند را تسهیل می‌کرد. شرکت‌های هندی توافق قدیمی خود را با تهران در مورد توسعه میدان گازی فرزاد B در منطقه خلیج فارس احیا کردند. همچنین در سال ۲۰۱۶، مودی توافق نامه‌ای را با هم‌تایان ایرانی و افغان خود امضا کرد تا مسیر تجاری جدید بین هند و افغانستان برقرار شود. برای این منظور، هند موافقت کرد که در بندر چابهار ایران که در جنوب شرقی این کشور قرار دارد، سرمایه‌گذاری کند و آن را ارتقا دهد و یک خط ریلی از چابهار تا مرز افغانستان بسازد. برای هند، چابهار نه تنها واردات نفت به این کشور را تسهیل می‌کرد و راه این کشور را به افغانستان و آسیای میانه می‌گشود، بلکه باعث می‌شد وزن کمتری به بندر گوادر پاکستان داده شود. برای ایران نیز چابهار اولین بندر آب اقیانوسی و عمیق است که پس از سال‌ها انزوا و فقر ناشی از تحریم‌های فلج‌کننده، ادغام در اقتصاد منطقه را برای تهران تسهیل می‌کند. با این حال، این پروژه به زودی وارد دوره رکود شد. ترامپ در سال ۲۰۱۷ مسوولیت تصدیق قرارداد هسته‌ای ایران را عهده‌دار شد. هند برای بهره‌برداری از چابهار به یک شریک خصوصی احتیاج داشت، اما شرکت‌ها از تحریم‌های جدید ایالات متحده بیم داشتند و از همکاری با هند طفره می‌رفتند. در سال ۲۰۱۸ ترامپ از توافق هسته‌ای خارج شد و تحریم‌ها دوباره در

همان سال علیه ایران اعمال شد. اما به دلیل نقش احتمالی توسعه چابهار در بازسازی افغانستان، این بندر از تحریم‌های آمریکا مستثنی شد. حتی با این چشم‌پوشی، هند نتوانست اپراتور خصوصی برای چابهار پیدا کند. همچنین تهیه ماشین‌آلات مورد نیاز تجهیزات این بندر نیز غیرممکن بود. تابستان گذشته، گزارش شد که دهلی نو به تعهدات خود در این پروژه از سال ۲۰۱۷ عمل نکرده است. ترافیک کانتینری در این بندر بسیار ناچیز است و چابهار در حال حاضر با زیر ۱۰ درصد از ظرفیت سالانه خود فعالیت دارد. حجم صادرات کم به این معناست که کشتی‌ها بدون بار تردد می‌کنند، بنابراین افزایش هزینه‌ها را به دنبال دارند. بنادر هندی سعی کرده‌اند به ارائه تعرفه‌های تخفیفی پردازند و تجارت را بهبود دهند که موفقیت اندکی کسب کرده‌اند. هند ظاهراً هیچ پیشرفتی در ساختن راه‌آهن در چابهار نداشته است و ایران مجبور شده که به تنهایی این پروژه را پیش‌برد. همچنین پس از اینکه شرکت‌های هندی از پروژه میدان گازی فرزاد B با پس کشیدن، تهران تصمیم گرفت که به دنبال شریک جدیدی در این عرصه باشد. البته نمی‌توان گفت که ترامپ مقصر تمام مشکلات دهلی‌نو است. در واقع، منطق اقتصادی پشت چابهار همیشه متزلزل بوده است. در حالی که این پروژه هندوستان را قادر می‌سازد تا پاکستان را دور بزند، اما تجارت با افغانستان به عنوان یک کشور درگیر جنگ داخلی و وابسته به کمک‌های خارجی احتمالاً در آینده قابل پیش‌بینی محدود خواهد بود. همچنین بنادر جنوبی پاکستان از جمله کراچی و بندر قاسم، مسیری سریع‌تر را برای دسترسی به دریا نسبت به چابهار در اختیار کابل قرار می‌دهند. به همین دلایل است که گوادر اخیراً با دریافت اولین محموله بار در ماه ژانویه به عنوان یکی دیگر از گزینه‌های ترانزیت افغانستان ظاهر شده است. درست است که مرزهای افغانستان و پاکستان به دلیل بحران‌های سیاسی به‌طور دوره‌ای بسته شده است، اما روابط دو جانبه در حال بهبود است و برنامه‌هایی در مورد گسترش کریدور اقتصادی چین و پاکستان به افغانستان نیز وجود دارد. اگر جو بایدن در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰ پیروز شود و همان‌طور که قول داده است، مجدداً به توافق هسته‌ای ایران بپیوندد، امکان دارد که پروژه چابهار جانی دوباره بگیرد. اما تضمینی وجود ندارد که تهران بخواهد برجام را از سر بگیرد. حتی اگر واشنگتن مجدداً به توافق هسته‌ای بپیوندد و برجام اجرایی شود، باز هم برخی از تحریم‌ها همچنان پابرجا هستند و می‌توانند سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران را محدود کنند.

نقش موثر سند همکاری با چین بر اقتصاد ایران

ایسنا: یک دیپلمات پیشین کشورمان با بیان این که سندهای همکاری معمولاً باعث اصلاح ساختاری می‌شود، گفت: سند همکاری ایران و چین می‌تواند نقش موثری در اقتصاد ما و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد. نصرالله تاجیک در گفت‌وگو با ایسنا درباره اهمیت سند همکاری‌های ۲۵ ساله ایران و چین اظهار کرد: این سند از چند منظر قابل بررسی است نخست افزایش موقعیت بازیگری ایران و توانایی‌هایی است که در قبال این سند کسب می‌کند، مساله دیگر حساسیت غربی‌ها و به خصوص آمریکا و همچنین چگونگی توجیه رسانه‌ها، نخبگان و نیروهای داخلی است که در این اقدام با دولت همراه شوند چرا که در ارتباط با چین ما یک انتخاب راهبردی کردیم که فقط به دلیل فشار حداکثری ترامپ نیست، بلکه ناشی از تمایل ایران به دنبال کردن نگاه به شرق هم هست. زیرا ترامپ تمام زیر ساخت روابط ما با غرب را که بی‌مشکل با این بلوک سیاسی هم نبودیم و نیستیم از بین برده و ما برای حفظ جایگاه منطقه و بین‌المللی خود تلاش داریم ابزارهای بازی و ایجاد توازن منطقه‌ای را متعدد و متنوع کنیم. وی تصریح کرد: اما قبل از این‌ها متاسفانه عکس‌العملی که بروز داده شد ناشی از عدم مطالعه سند و درز کردن یکسری اطلاعات غلط از سوی یک نشریه نفتی انگلیسی بود البته نشریه (Economist petroleum) گزارش خود را در سال ۲۰۱۹ تهیه کرده بود اما بعد از این که خبر سند همکاری‌ها منتشر شد رسانه‌های غربی در گزارشات خود با استناد به این مقاله اعداد و ارقامی را منتشر کردند که در این

سند همکاری وجود ندارد و معقول و واقعی نیست مثل این که گفتند چینی ها ۵ هزار نیروی نظامی را برای حفاظت و حمایت از طرح های خود وارد ایران می کنند که این نشان از نادرست بودن این ارقام دارد. این کارشناس مسائل سیاسی همچنین بیان کرد: هر آدم عاقلی اگر به رویکرد جمهوری اسلامی ایران توجه کند چنین مواردی را نمی پذیرد که ایران به عنوان قدرت منطقه ای، نیروی نظامی چینی را برای حفاظت از طرح ها بپذیرد لذا تا حدودی جوسازی شدیدی هم از سوی غربی ها و هم از سوی برخی نیروهای داخلی صورت گرفت که نمونه اش عکس العمل رئیس دولت مهرورز محافظه کاران به این مساله بود که اتفاقاً در افتادن کک به لباس غربیها بی تاثیر نبود و این نشان داد که اهرمهای بازی ایران در مقابل غرب خیلی متفاوت و زیاد هستند. در مجموع تلقی و تبلیغ مستعمره سازی ایران در پرتو این سند همکاری یک سناریوی فریب غربی است که با اقداماتش در مقابل ایران خود را خلع سلاح کرده و با این رویکرد سیاست خارجی ایران انفعالی و تخریبی برخورد می کند تا همچنان ایران را بطور استراتژیک منزوی نگه دارد. تاجیک با بیان اینکه جریان سازی ها برای این بود که ایران را منفعل کند، خاطرنشان کرد: منهای مفاد داخلی این سند که هنوز رسماً منتشر نشده و باید از سوی مطلعین بدون حب و بغض مورد واکاوی قرار گیرد و فعلاً "فقط نسخه هایی غیر رسمی از آن در فضای مجازی به چرخش درآمده معتقد هستم که معمولاً سندهای همکاری باعث اصلاح ساختاری می شود، به عبارت دیگر دو کشور اگر بخواهند در سطح بالا و استراتژیک کار کنند نمی توانند هر کدام ساز خود را بزنند بنابراین از آن جایی که چین اگر یکی از قدرت های بلامنازع دهه آینده نباشد یکی از قدرت های مهم و تاثیر گذار در صحنه آینده جهان است، لذا این یک فرصت تاریخی است. اما لازمه اجرایی کردن این و هر سند راهبردی، انسجام ملی، ثبات در تصمیم گیری، اجرای بلامنازع قوانین، تلاش برای اجرای راهبرد تنش صفر در داخل و خارج، تعبیه سازوکار مناسب اجرایی برای عملیاتی کردن سند، ایجاد سازگاری اجرائی و اداری بین سیستمهای درگیر دو کشور و از بین بردن زمینه های فساد در کشور است که در صورت تحقق آنها خود بطور مستقیم باعث یک انقلاب اداری خواهد شد که الان برخی ناهنجاریهای موجود نظام اداری کشور یکی از مصائب است! اما در مقابل عملکردانی چینی و تعریف کسب قدرت بین المللی از کانال تقویت ظرفیتها و موقعیتهای اقتصادی کشور توسط مدیران چینی که با شاخصه هائی نظیر نظم پذیری، کارآمدی، افزایش بهره وری و کارآئی، سخت کوشی برای نوآوری و کارآفرینی در تولید شناسائی می شوند سبب شد چینیها خود را از این طریق به جامعه جهانی تحمیل کنند که این درس خوبی میتواند برای ما باشد. این دیپلمات بازنشسته کشورمان اظهار کرد: با توجه به خیزی که چین بر داشته و همچنین رویکردش به مسائل بین الملل و این که توانست از طریق روش های مدیریتی سنتی و درون زا اقتصادش را قوی کند و از این مسیر یک بازیگر مهم گردد، می تواند درسی برای ما باشد که بتوانیم از الگوهای چینی در اقتصاد بین المللی و همکاری های منطقه ای داشته استفاده کرده و در زیر ساخت های اقتصاد ما تأثیرگذار باشد. وی ابراز عقیده کرد: این سند همکاری می تواند نقش موثری در اقتصاد ما و همکاری های منطقه ای و بین المللی ما داشته باشد و همچنین با توجه به قدرت ایران به عنوان یکی از بازیگران خاورمیانه می توانیم از این ظرفیت در راستای اجرایی کردن این سند و همکاری های دو و چند جانبه بهره برداری کنیم. این کارشناس مسائل بین الملل در ادامه بیان کرد: در صورت نهایی شدن این سند می توان آن را بررسی و یا نقد کرد اما اکنون نباید نیروهای داخلی تحت تاثیر القانات غربی ها موضع گیری کنند، این سند در مجموع به افزایش موقعیت بین المللی و قدرت منطقه ای ما کمک می کند. بعضی از منتقدین مناسفانه دانسته و یا ندانسته با بررسی مقایسه ای تلاش دارند این اقدام ایران در سیاست خارجی اش را با مقایسه آمریکا و چین تخطئه کنند! اما در مجموع اگر همه سینات عالم را برای چینیها و همه محسنات دنیا را به آمریکا نسبت دهیم، مقایسه نسبت سطح تعامل و حجم اقتصاد و ظرفیتهای سیاسی، اجتماعی، نظامی و امنیتی ایران و چین از یک سو و ایران و آمریکا از سوی دیگر نشان می دهد اگر چه آن دو کشور در پاره ای از زمینه ها دارای فواصلی از یکدیگر هستند اما آمریکائیه در دوران ترامپ هیچ فرش قرمزی

برای ایران پهن نکرده اند که ما دست رد به سینه آنان بزنیم بلکه ترامپ به دنبال فروپاشی نه تنها اقتصاد بلکه نظام سیاسی ایران حتی به قیمت تجزیه کشور است و ظرفیتهای سازنده بین ایران و غرب را نیز تحت تاثیر قرار داده و تا حدی هیچ نقطه امیدی بجا نگذاشته است، اما با فرهنگ و شرکتهای چینی شاید بتوان راحت تر به ثبات عملکردی رسید. یعنی منهای اینکه آیا در دید حاکمیتی ایران ظرفیت در هم تنیدگی اقتصادی با غرب وجود دارد یا خیر اما کاستیهای اقتصاد و سیاست و حکومت در چین امروز این کشور را می‌تواند راحت تر با اقتصاد نزار ایران هم ساز نماید، اگر چه برای دمساز شدن راهی بس طولانی در پیش رو است! تاجیک یادآور شد: متأسفانه برخی ها در نقد خود تصور می‌کنند ما انتخاب‌های زیادی داریم درحالی که با وضعی که ترامپ با تحریم‌ها به وجود آورده و انفعال خواسته یا ناخواسته اروپا، ما انتخاب‌های زیادی نداریم. بنابراین در مجموع این یکی از اقدامات خوب دولت در سیاست خارجی اش است که تائیدات حاکمیتی را نیز در حمایت از خود در این زمینه دارد و لذا باید برای اجرایی شدن واقعی و نه روی کاغذ آن که مستلزم اصلاحات ساختاری در اقتصادی کشور است، تلاش کنیم، رسانه‌ها و مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی و دانشگاهیان هم باید به دور از حب و بغض به آن بپردازند. وی در پایان بر اجماع سازی داخلی و تلاش برای اجرایی کردن سند تاکید کرد و گفت: باید تلاش کنیم اجماع داخلی به وجود بیاوریم البته به این مفهوم نیست که همه احاد ملت باید یک حرف بزنند و موافقت داشته باشند و یا مخالفت نکنند بلکه باید شرایطی فراهم کنیم تا سازمانهای ذیربط و دست اندرکار این سند در صدد کسب حداکثری منافع ملی باشند و منتقدین هم نظر دهند ولی حواسمان باشد که هم بستر، ساختار، ابزار و ساز و کار مناسب طراحی کنیم و هم از غربی‌ها بازی نخوریم. آنها با هر آنچه که قدرت مانور ما را از منظر عملیاتی و استراتژیک افزایش دهد و بتوانیم سیدی از انتخابهای گوناگون داشته باشیم مخالف هستند!

- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا):

۱۴ مرداد ۱۳۹۹؛ کاهش قیمت رسمی ۲۲ ارز

تهران- ایرنا- بانک مرکزی امروز (سه‌شنبه) بهای رسمی ۴۷ ارز عمده را اعلام کرد که از این میان ۲۲ ارز شاهد کاهش ارزش و ۱۷ ارز شاهد افزایش بها بودند. نرخ سایر ارزها نیز ثابت ماند. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران امروز (سه‌شنبه، سیزدهم مرداد) نرخ رسمی ۴۷ ارز عمده بین‌المللی را اعلام کرد. از این میان ۲۲ ارز با کاهش قیمت و ۱۷ ارز با افزایش قیمت مواجه بودند. ارزش سایر ارزها ثابت باقی ماند. به گزارش ایرنا، بر این اساس هر دلار آمریکا ۲۲ هزار ریال، هر پوند انگلیس ۵۴ هزار و ۹۵۷ ریال و هر یورو ۴۹ هزار و ۴۲۸ ریال نرخ‌گذاری شدند. همچنین در تابلوی بانک مرکزی، هر فرانک سوییس ۴۵ هزار و ۷۷۲ ریال، کرون سوئد ۴ هزار و ۸۰۷ ریال، کرون نروژ ۲ هزار و ۶۰۶ ریال، کرون دانمارک ۶ هزار و ۶۲۸ ریال، روپیه هند ۵۵۹ ریال، درهم امارات متحده عربی ۱۱ هزار و ۴۳۷ ریال، دینار کویت ۱۳۷ هزار و ۲۲۰ ریال، یکصد روپیه پاکستان ۲۵ هزار و ۱۶۸ ریال، یکصد یین ژاپن ۳۹ هزار و ۵۹۵ ریال، دلار هنگ کنگ ۵ هزار و ۴۲۰ ریال و هر ریال عمان ۱۰۹ هزار و ۲۳۴ ریال قیمت‌گذاری شد. علاوه بر این هر دلار کانادا ۲۱ هزار و ۲۶۲ ریال، دلار نیوزیلند ۲۷ هزار و ۸۰۶ ریال، راند آفریقای جنوبی ۲ هزار و ۴۴۲ ریال، لیر ترکیه ۶ هزار و ۲۲ ریال، روبل روسیه ۵۷۵ ریال، ریال قطر ۱۱ هزار و ۵۳۹ ریال، یکصد دینار عراق ۲ هزار و ۴۹۲ ریال، لیر سوریه ۸۲ ریال، دلار استرالیا ۲۹ هزار و ۹۳۴ ریال، ریال سعودی ۱۱ هزار و ۲۰۱ ریال، دینار بحرین ۱۱۱ هزار و ۷۰۲ ریال، دلار سنگاپور ۲۰ هزار و ۵۲۸ ریال، یکصد تاکای بنگلادش ۴۹ هزار و ۵۸۸ ریال، ده روپیه سریلانکا ۲ هزار و ۲۶۹ ریال، کیات میانمار (برمه) ۲۱ ریال، یکصد روپیه نپال ۲۴ هزار و ۷۶۹ ریال، یکصد درام ارمنستان ۸ هزار و ۷۲۱ ریال و دینار لیبی ۳۰ هزار و ۶۳۵ ریال قیمت خورد. امروز هر یوان چین ۶ هزار و ۱۷ ریال، یکصد بات تایلند ۱۳۴ هزار و ۹۶۰ ریال، رینگیت مالزی ۹ هزار و ۹۶۰ ریال، یک هزار وون کره جنوبی ۲۵ هزار و ۲۰۲ ریال، دینار اردن ۵۹ هزار و ۲۳۹

ریال، یکصد تنگه قزاقستان ۹ هزار و ۹۶۳ ریال، لاری گرجستان ۱۳ هزار و ۶۹۵ ریال، یک هزار روپیه اندونزی ۲ هزار و ۸۶۱ ریال، افغانی افغانستان ۵۲۴ ریال، روبل جدید بلاروس ۱۷ هزار و ۲۸۵ ریال، منات آذربایجان ۲۴ هزار و ۷۲۱ ریال، یکصد بزوی فیلیپین ۸۵ هزار و ۵۲۵ ریال، سامانی تاجیکستان ۲ هزار و ۲۲ ریال، بولیوار جدید ونزولا ۲ هزار و ۲۰۶ ریال و منات جدید ترکمنستان ۱۱ هزار و ۹۶۶ ریال ارزش‌گذاری شد.

۱۵ مرداد ۱۳۹۹؛ افزایش بهای رسمی ۲۷ ارز

تهران- ایرنا- بانک مرکزی امروز (چهارشنبه) بهای رسمی ۲۷ ارز عمده را اعلام کرد که از این میان ۲۷ ارز شاهد افزایش قیمت بودند. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران امروز (چهارشنبه، پانزدهم مرداد) نرخ رسمی ۲۷ ارز عمده بین‌المللی را اعلام کرد. از این میان ۹ ارز با کاهش قیمت و ۲۷ ارز با افزایش قیمت مواجه بودند. ارزش سایر ارزها ثابت باقی ماند. به گزارش ایرنا، بر این اساس هر دلار آمریکا ۴۲ هزار ریال، هر پوند انگلیس ۵۴ هزار و ۹۷۷ ریال و هر یورو ۴۹ هزار و ۶۲۵ ریال نرخ‌گذاری شدند. همچنین در تابلوی بانک مرکزی، هر فرانک سوییس ۴۶ هزار و ۲۹ ریال، کرون سوئد ۴ هزار و ۸۲۲ ریال، کرون نروژ ۴ هزار و ۶۲۸ ریال، کرون دانمارک ۶ هزار و ۶۶۴ ریال، روپیه هند ۵۶۱ ریال، درهم امارات متحده عربی ۱۱ هزار و ۴۲۷ ریال، دینار کویت ۱۳۷ هزار و ۲۵۴ ریال، یکصد روپیه پاکستان ۲۵ هزار و ۸ ریال، یکصد ین ژاپن ۲۹ هزار و ۷۸۲ ریال، دلار هنگ کنگ ۵ هزار و ۴۲۰ ریال و هر ریال عمان ۱۰۹ هزار و ۲۲۲ ریال قیمت‌گذاری شد. علاوه بر این هر دلار کانادا ۲۱ هزار و ۶۰۵ ریال، دلار نیوزیلند ۲۷ هزار و ۹۲۱ ریال، راند آفریقای جنوبی ۲ هزار و ۴۲۴ ریال، لیر ترکیه ۶ هزار و ۸۲ ریال، روبل روسیه ۵۷۳ ریال، ریال قطر ۱۱ هزار و ۵۲۹ ریال، یکصد دینار عراق ۲ هزار و ۵۲۸ ریال، لیر سوریه ۸۲ ریال، دلار استرالیا ۲۰ هزار و ۱۹۱ ریال، ریال سعودی ۱۱ هزار و ۲۰۰ ریال، دینار بحرین ۱۱۱ هزار و ۷۰۲ ریال، دلار سنگاپور ۲۰ هزار و ۶۲۲ ریال، یکصد تاکای بنگلادش ۴۹ هزار و ۵۷۶ ریال، ده روپیه سریلانکا ۲ هزار و ۲۷۲ ریال، کیات میانمار (برمه) ۲۱ ریال، یکصد روپیه نپال ۳۴ هزار و ۸۴۱ ریال، یکصد درام ارمنستان ۸ هزار و ۷۲۱ ریال و دینار لیبی ۳۰ هزار و ۶۲۹ ریال قیمت خورد. امروز هر یوان چین ۶ هزار و ۲۸ ریال، یکصد بات تایلند ۱۳۵ هزار و ۴۷۶ ریال، رینگیت مالزی ۹ هزار و ۹۸۵ ریال، یک هزار وون کره جنوبی ۲۵ هزار و ۳۲۶ ریال، دینار اردن ۵۹ هزار و ۲۳۹ ریال، یکصد تنگه قزاقستان ۹ هزار و ۹۶۰ ریال، لاری گرجستان ۱۳ هزار و ۶۸۶ ریال، یک هزار روپیه اندونزی ۲ هزار و ۸۸۴ ریال، افغانی افغانستان ۵۲۷ ریال، روبل جدید بلاروس ۱۷ هزار و ۱۹۷ ریال، منات آذربایجان ۲۴ هزار و ۷۲۱ ریال، یکصد بزوی فیلیپین ۸۵ هزار و ۶۲۳ ریال، سامانی تاجیکستان ۲ هزار و ۸۲ ریال، بولیوار جدید ونزولا ۲ هزار و ۲۰۶ ریال و منات جدید ترکمنستان ۱۱ هزار و ۹۶۶ ریال ارزش‌گذاری شد.

نشست مجازی توسعه روابط فرهنگی ایران و چین برگزار شد

پکن- ایرنا- نشست مجازی «توسعه فرهنگ ایران و چین و شناخت آداب و رسوم چین پس از همه گیری کرونا» روز سه شنبه با حضور اساتید و پژوهشگرانی از دانشگاه های دو کشور برگزار شد. به گزارش ایرنا این نشست به صورت ویدئو کنفرانس و با همکاری مرکز مطالعات چین شناسی دانشگاه علامه طباطبایی با همکاری دانشگاه زبان و فرهنگ پکن و با همت رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در پکن برگزار شد. از اساتید چینی پروفیسور «سونگ زیان» عضو موسسه تاریخ جهان و آکادمی علوم اجتماعی چین، دکتر «لیو هوی» عضو مدرسه آسیایی و آفریقایی و عضو دانشگاه مطالعات بین الملل شانگهای و مدیر دانشکده فارسی این دانشگاه در این نشست حضور داشتند. از سوی ایران هم دکتر «شهلا باقری» عضو هیات علمی علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی و دکتر «زهرا میرحسینی» عضو هیات علمی و مدیر گروه مطالعات زنان و خانواده دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا (س) در این همایش سخنرانی کردند. همچنین در برگزاری این همایش

رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در چین، مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی اداره کل همکاری های فرهنگی و امور ایرانیان خارج از کشور همکاری داشتند.

توسعه بدون مشارکت زنان امری غیرقابل تصور // «زهرا میرحسینی» عضو هیات علمی و مدیر گروه مطالعات زنان و خانواده دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا (س) در این نشست با ارائه مقاله ای با عنوان «نقش زنان در توسعه ارتباطات فرهنگی با تاکید بر ایران و چین» گفت: حضور زنان در عرصه های مختلف اجتماعی نه تنها مورد پذیرش جامعه است، بلکه جزء ضروریات زندگی اجتماعی در عصر حاضر نیز محسوب می شود، چرا که جامعه به توانمندی ها و حضور زنان در عرصه های مختلف اجتماعی و بهره مندی از آن، ضمن اینکه اعتقاد و باور پیدا کرده، بدان نیازمند نیز است. وی با اشاره به اینکه توسعه بدون مشارکت زنان امری غیرقابل تصور به نظر می رسد گفت: توسعه روابط بین الملل هم از این قاعده مستثنی نیست بدین علت که حضور زنان در عرصه روابط بین الملل نه تنها با هدف برقراری عدالت جنسیتی و مشارکت دادن زنان در فعالیت های اجتماعی، بلکه به منظور فراهم آوردن بسترهای لازم برای استفاده از ظرفیت های موجود در جامعه و بهره گیری از توان تمامی آحاد جامعه، از ملزومات توسعه انسانی است. میرحسینی افزود: مطالعات نشان می دهد اگرچه در دهه های اخیر به نقش زنان در توسعه ارتباطات فرهنگی در سطح بین الملل توجه شده و نهادها و سازمان های مختلفی بدین منظور تشکیل شده با این حال هنوز آن طور که شایسته است از ظرفیت و پتانسیل زنان در این حوزه استفاده نشده و آنان نقش قابل توجهی ایفا نمی کنند.

زنان عامل تعمیق تعاملات میان فرهنگی ایران و چین // «شهلا باقری» عضو هیات علمی علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی هم در این نشست گفت: ایران و چین با سابقه تمدنی دیرین، اکنون و بیش از هر زمان دیگر به بصیرت افزایش ارتباطات اجتماعی و اقتصادی دوجانبه رسیده اند آنچه در این میان بعنوان موتور گسترش این ارتباطات، با هوشمندی برگزیده شده است گسترش «ارتباطات میان فرهنگی» مشترک است. وی با اشاره به اینکه فرهنگ و تعاملات فرهنگی مشترک، زمینه ساز و بستر سایر فعالیت های اجتماعی است اظهار کرد: فرهنگ با اتکا به تمهید درک مشترک، اقناع ذهنی و بین الادهانی، نقش مفروضات پایه در حل معادلات چند مجهولی را ایفا می نماید. باقری ادامه داد: شاید بتوان گفت که فرهنگ حداقل دو سویه عملکردی دارد از یک سو نقش فرهنگ در بستر سازی گسترش همه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی محرز است و از سویی دیگر تولید معنا و حاکمیت معنا بر روابط انسانی و اجتماعی موحیات تبدیل یک رابطه اقتصادی محض به یک رابطه انسان ساز، جامعه ساز و تحول آفرین را باعث می شود. عضو هیات علمی علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی افزود: ما اکنون باید بتوانیم با یکدیگر و در عرصه فرهنگ، «جاده فرهنگی ابریشم» را بیافرینیم زنان به مدد انگشتان ظریف و روح نکنه سنج خود، قادر به چنین توانایی خواهند بود جاده فرهنگی ابریشم نه پارچه ابریشمی که افکار، باورها، نظام های معنایی ریشه دار را به معرض دید عموم و تبادل آرا قرار خواهد داد. وی تصریح کرد: فرهنگ سیال گون، همچو ابریشم لطیف و همچون زن، دقیق و ظریف است و عاملی هم سنخ خود را می طلبد سازندگان این نقش، زنان و مادران هستند و فعال سازی این قابلیت محتاج تمهیدات راهبردی و اجرایی دو جانبه است.

ایرانشناسی در چین تاریخی صد ساله دارد // دکتر «لیو هوی» عضو مدرسه آسیایی و آفریقایی و عضو دانشگاه مطالعات بین الملل شانگهای و مدیر دانشکده فارسی این دانشگاه هم گفت: ایرانشناسی در چین تاریخی صد ساله دارد اما بیشترین پیشرفت در این زمینه در سال های بعد از ۱۹۷۹ میلادی یعنی همزمان با اجرای «سیاست اصلاحات و درهای باز» در چین اتفاق افتاد. او گفت: همگام با حضور چین در جامعه بین المللی، روابط سیاسی، اقتصادی و تجاری ایران و چین روز به روز نزدیک تر و گسترده تر شده و همکاری و تبادلات اندیشمندان دو کشور در زمینه علوم انسانی نیز به مرور زمان بیشتر و راحت تر شده است. وی افزود: همچنین ایرانشناسی در چین با

تمرکز در زمینه هایی چون تاریخ، مذهب، مساله هسته ای، انرژی، پیشرفت اقتصادی، فرهنگ، روابط بین الملل و آموزش زبان فارسی وارد دوره پیشرفت همه جانبه شده است. این استاد دانشگاه شانگهای اظهار کرد: در طول ۷۰ سال اخیر در تاریخ معاصر ایرانشناسی در چین، با وجود اینکه تحقیقات فراوانی در زمینه تاریخ و مذهب ایران انجام شده، اما تعداد تحقیقاتی که براساس متون فارسی انجام شده باشد کمکان انگشت شمار است. تاثیرپذیری طب چینی از طب اسلامی // پروفیسور «سونگ زیان» عضو موسسه تاریخ جهان و آکادمی علوم اجتماعی چین هم در این نشست مجازی با ارائه مقاله در مورد «تاریخچه مبادلات پزشکی چین و ایران» اظهار کرد: با تحقیق و بررسی در مورد کتاب چینی «دستورالعمل‌های دارویی قوم هوی» می‌توان تاثیر خاص طب سنتی اسلامی بر طب سنتی چینی را مشاهده کرد. وی از بین رفتن نسخه‌های اصلی این اثر را یک ضرر جبران ناپذیر و بدشانسی بزرگی برای مطالعه طب چینی و ایرانی عنوان کرد و گفت: از فهرست نسخه‌های باقیمانده از کتاب ۲۶ جلدی «دستورالعمل‌های دارویی قوم هوی» می‌توان دریافت که محتوای نسخه‌های موجود در کتاب اصلی بسیار بیشتر از کتاب قانون ابن سینا بوده است بنابراین به عنوان شخصی که مشغول تحقیق، تفسیر و مرتب‌سازی متون پزشکی بوده است فکر می‌کنم دانشمندانی از کشورهای چین و ایران، زیر پرچم راهبردی پروژه «یک کمر بند - یک جاده» برای سلامتی همه بشریت تمام تلاش و سعی خود را می‌کنند تا اسناد پزشکی باستانی بیشتری از هر دو کشور سازماندهی و منتشر شود .

چشم‌انداز مبهم اقتصاد شرق آسیا در سایه کرونا

سنار محمدی نلوار/ تهران-ایرنا- بانک جهانی در آخرین گزارش اقتصادی خود به تخمین و پیش‌بینی اقتصاد مناطق مختلف جهان و از جمله شرق آسیا و اقیانوسیه پرداخت، ولی برای اقتصاد این نقطه از جهان دورنمایی روشن و مطمئن ارائه نمی‌دهد. اثرات منفی شیوع ویروس همه گیر کرونا شامل حال اقتصاد همه کشورهای جهان شده است؛ برخی کمتر و برخی بیشتر. اگرچه کرونا از طریق تغییر و تحدید تعاملات اجتماعی، دگرگونی سبک و شیوه زندگی و حذف برخی ارزش‌ها و آداب و سنن و جایگزینی برخی دیگر؛ اثرات فرهنگی و اجتماعی عمیقی در جامعه بشری ایجاد کرده، اما پیامدهای اقتصادی آن، تاکنون مهمترین و چالش‌برانگیزترین مسئله دولت‌ها در مواجهه با این ویروس بوده است. بعلاوه، در دسترس بودن داده‌های عینی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی امکان برآورد و پیش بینی آینده اثرات اقتصادی شیوع کرونا را از تخمین پیامدهای فرهنگی و اجتماعی آن آسان‌تر کرده است. گزارش بانک جهانی از وضعیت اقتصادی جهان و از جمله کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه در سال ۲۰۲۰ و پیش‌بینی آن برای سال آینده میلادی مبتنی بر داده‌های ملی و حاوی مقایسه‌های جهانی و منطقه‌ای است. در بخشی از این گزارش چشم انداز اقتصادی کشورهای شرق آسیا و اقیانوسیه در شرایط شیوع جهانی کرونا مورد بررسی قرار گرفته است.

انقباضی کم سابقه در اقتصاد منطقه // واقعیت این است که کرونا، نخست اقتصاد چین و سپس اقتصاد کشورهای مختلف را با انقباض شدید فعالیت‌های اقتصادی و در تنگنا قرار گرفتن ناگهانی شرایط مالی روبه رو کرد. همچنین کاهش سریع و شدید قیمت کالاها به صادرکنندگان کشورهایمانند مالزی، اندونزی، کینه نو و تیمور شرقی ضربه سنگینی وارد کرده است. بر اساس داده‌های این گزارش، اقتصاد چین که در ماه فوریه در برخی مناطق کشور محدودیت‌های شدیدی اعمال کرد و فعالیت‌های اقتصادی تقریباً متوقف شد، در سه ماه اول ۲۰۲۰ با ۳۴ درصد انقباض رو به رو شد. این رقم وقتی مهم به نظر می‌رسد که بدانیم این نخستین انقباض اقتصادی از ۱۹۷۶ تا کنون بوده است. در سه ماه اول ۲۰۲۰ در مقایسه با مدت مشابه ۲۰۱۹ سود بخش صنعت به سرعت ۲۷ درصد کاهش یافت. همچنین درآمدهای مالیاتی این کشور در مقایسه با سال گذشته میلادی ۱۴ درصد کاهش داشته است. در ماه آوریل، با رفع قرنطینه رشد دوباره تولیدات صنعتی آغاز شد و فروش وسایل حمل و

نفل نخستین افزایش، از ژانویه ۲۰۱۸ را نشان داد. باوجود این، شرکت‌ها با کمبود سرمایه‌گذاری و کاهش تقاضا مواجه بودند. بازیابی در بخش خدمات کندتر و دیرتر آغاز شد. دلیلش این بود که اثرات ناشی از شیوع بیماری دیرتر به این بخش رسید. در بقیه منطقه شرق آسیا شرایط اقتصادی در ماه مارس بدتر شد و تا اواسط سال جاری (۲۰۲۰) فشارها باقی بود. این امر بازتاب قرنطینه‌های ملی و سرریزهای منفی اقتصاد باقی مانده دنیا بود. همچنین تنگنای ناگهانی در شرایط سرمایه‌گذاری جهانی در اوایل ماه مارس باعث خروج ناگهانی سرمایه از منطقه، کاهش نرخ بهره بانکی در آن و تعدیل ارزش‌های دولتی و ارزش دارایی‌ها شد. در این شرایط تعطیلی کارخانه‌ها و بروز اختلال در فرایند تولید کالاهای واسطه‌ای (مواد اولیه لازم برای تولید کالاهای نهایی) تأثیری منفی بر زنجیره‌های تأمین در کشورهایی چون کامبوج، مالزی، میانمار و تایلند داشته است. بعلاوه، محدودیت‌های داخلی و سرریزهای خارجی منجر به افت چشمگیر در جریان مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید و جریان تجارت شده و شدیدترین افت فعالیت از زمان «بحران مالی آسیا» را برای اکثر کشورهای منطقه رقم زده است.

کاهش محدودیت‌ها و شروع حمایت‌ها // در این گزارش آمده است: به نظر می‌رسد که همه‌گیری کرونا در کشورهای چین، مالزی و ویتنام فروکش کرده، اما در اقتصادهایی همچون اندونزی و فیلیپین هنوز به نقطه اوج نرسیده است. چین و ویتنام قرنطینه را کنار گذاشته‌اند اما برای جلوگیری از موج دوم شیوع این بیماری برخی محدودیت‌ها را حفظ کرده‌اند. مالزی نیز به تدریج با دادن اجازه فعالیت به برخی از بخش‌های اقتصادی قرنطینه را کنار گذاشته است. همچنین، مهم‌ترین اقتصادهای منطقه سیاست‌های حمایتی کلانی را جهت کاهش اثرات کرونا به اجرا گذاشته‌اند. در چین، حکومت مرکزی سیاست حمایت‌های نقدینگی، کاهش نرخ بهره، کاهش نیازهای اندوخته (میزان ودیعه بانک‌ها نزد بانک مرکزی) برای جلوگیری از ارزان فروشی بازار و حمایت از کسب و کارها را انجام داده است. سایر اقتصادهای منطقه (اندونزی، مالزی، فیلیپین و تایلند) نیز نرخ‌های بهره را کاهش داده، نقدینگی و تسهیلات اعتباری را ارائه کرده و برنامه‌های مختلف خرید دارایی را آغاز کرده‌اند. اقدامات و سیاست‌های مالیاتی چین- به مقدار ۵.۴ درصد از تولید ناخالص داخلی- مواردی چون هزینه‌های اضطراری سلامت، معافیت مالیاتی، انتقال مستقیم به خانواده‌های آسیب پذیر و معوقات و صدور اوراق قرضه دولت محلی برای حمایت از سرمایه‌گذاری را شامل می‌شود. دو کشور مالزی و تایلند نیز بسته‌های حمایت اقتصادی فوق العاده‌ای به ترتیب معادل حدود ۱۷ و ۱۳ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را به اجرا درآورده‌اند. این بسته‌های حمایتی شامل مواردی چون محرک‌های مستقیم مالیاتی به میزان ۶ درصد از تولید ناخالص داخلی و با تمرکز بر رفاه عمومی و ارائه خدمات درمانی، ضمانت وام و سایر موارد ابتکاری در حمایت از کسب و کارها می‌شود. اندونزی و فیلیپین نیز حدود ۳ تا ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را به بسته‌های حمایتی مالیاتی اختصاص داده‌اند.

چشم انداز اقتصاد منطقه تا افق ۲۰۲۱ // در این گزارش پیش بینی شده است که در سال ۲۰۲۰ رشد تولید ناخالص داخلی منطقه از ۵.۹ درصد در سال ۲۰۱۹ به ۰.۵ درصد کاهش یابد- ۵.۲ درصد پایین‌تر از پیش بینی قبلی و پایین‌ترین نرخ رشد از ۱۹۶۷ به بعد. انتظار می‌رود که رشد اقتصادی منطقه در نیمه دوم سال به تدریج بهبود پیدا کند و تا اوایل ۲۰۲۱ به روند معمول خود بازگردد. همچنین، پیش بینی می‌شود که نرخ رشد اقتصادی چین در سال ۲۰۲۰ به ۱ درصد- ۲.۹ درصد پایین‌تر از پیش بینی ماه ژانویه و پایین‌ترین نرخ از ۱۹۷۶ به بعد- کاهش پیدا کند، سپس با بهبود شرایط و رفع قرنطینه در سراسر جهان در سال ۲۰۲۱ به ۶.۹ درصد خواهد رسید. همچنین انتظار می‌رود که رشد اقتصادی در منطقه شرق آسیا (بعلاوه چین) به ۱.۲ درصد در سال ۲۰۲۰ کاهش یابد. این نخستین انقباض اقتصادی از بحران مالی ۱۹۹۸ آسیا به این سو است. سپس پیش بینی می‌شود که با ناپدید شدن اثرات کرونا در سال ۲۰۲۱ دوباره به ۵.۴ درصد برسد. در میان اقتصادهای اصلی این منطقه بزرگترین اصلاحات نزولی در سال ۲۰۲۰ برای کشورهای مالزی، فیلیپین، و تایلند (به ترتیب ۷.۶، ۸.۰ و ۷.۷ درصد پایین‌تر از پیش‌بینی‌های ماه



زانویه) بوده است. بخشی از این رکود ناشی از تأثیر معنادار اعمال محدودیت‌های داخلی است و بخشی نیز نتیجه کاهش توریست، اختلال در تجارت و بخش تولید، سرریز بازارهای مالی و قیمت‌های پایین‌تر کالاها در مالزی بوده است. همچنین، شیوع ویروس کرونا اقتصاد مبتنی بر توریسم کشورهای کوچک منطقه مانند فیجی، پالونا، ساموا، وانواتو، جزایر سالمون و غیره را بیشتر تحت تأثیر قرار داده است. هرچند اقتصاد همه کشورهای منطقه به سرعت دچار رکود و کاهش در نرخ رشد شده است اما کشورهای کوچک در ناحیه اقیانوسیه به دلیل وابستگی به توریسم آسیب پذیرتر بوده و بیشتر صدمه دیدند. بعلاوه، این کشورها در مقابله با کرونا از زیرساخت‌های بهداشتی ضعیفی برخوردار هستند. در این گزارش آمده است که احتمال زیادی وجود دارد که کرونا رشد اقتصادی بالقوه منطقه آسیای شرقی و اقیانوسیه را از طریق تضعیف سرمایه گذاری و زنجیره تقاضا که مجرای مهمی برای دست یابی به بهره وری در دهه گذشته بوده است بیشتر کند خواهد کرد. انتظار می‌رود که اثرات منفی آن گسترده بوده و با وخیم‌تر شدن روندهای جمعیتی و افت رشد اقتصادی در بهره وری کل بر کند شدن طولانی مدت فعالیت‌های اقتصادی بیافزاید. در چشم‌انداز اقتصاد انتظار می‌رود که مهمترین اقتصادهای منطقه از دومین موج شیوع کرونا برحذر باشند. همچنین چشم‌انداز اقتصادی منطقه نشان می‌دهد که به دنبال انقباض شدید اقتصادی در سه ماه اول ۲۰۲۰ در چین و سه ماه دوم سال جاری در باقی کشورها شاهد یک بازیابی پایدار و تدریجی خواهیم بود. همچنین بر اساس چشم‌انداز اقتصادی بانک جهانی در منطقه شرق آسیا و اقیانوسیه، اقدامات حمایتی و سیاست‌های پولی و مالیاتی قابل توجه اقتصادهای اصلی منطقه در دفع رکود طولانی مدت و بحران مالی موفق عمل کرده‌اند. انتظار می‌رود که در نتیجه این اقدامات در نیمه دوم ۲۰۲۰ تقاضای واردات جهانی ترمیم شود، شرایط مالی جهانی به حالت طبیعی بازگردد، جریان سرمایه به منطقه از سر گرفته شود و از تشدید تنش‌های تجاری بین چین و آمریکا خبری نباشد.

چشم‌انداز اقتصادی آنگونه که باید روشن نیست // در کنار مواردی از خوشبینی در چشم‌انداز اقتصادی منطقه، بانک جهانی در گزارش خود به نکات منفی احتمالی نیز اشاره کرده است. چشم‌انداز اقتصادی منطقه حامل نوعی عدم قطعیت و بی اطمینانی جدی است. روند کلی و گسترش همه‌گیری کرونا و همچنین اثرگذاری سیاست‌های به کار رفته در مقابل آن هنوز مشخص نیست. فرسایش اعتماد مصرف‌کنندگان و کسب و کارها نیز ممکن است ادامه یابد. بعلاوه، سرریز اثرات جهانی همه‌گیری کرونا از طریق تجارت جهانی، بازارهای مالی و دیگر اثرات درجه دو در اقتصاد منطقه نمود خواهد یافت. قیمت پایین کالا و سیر نزولی فعالیت‌های اقتصادی در شرکای اقتصادی فرایند ترمیم در بسیاری از اقتصادهای توریسم محور، صادرات محور و وابسته به کمک‌های مالی و کالایی در شرق آسیا و اقیانوسیه را با مشکل مواجه خواهد ساخت. و در نهایت اینکه، اگر تنش تجاری بین ایالات متحده و چین ادامه پیدا کند چشم‌انداز اقتصادی منطقه شرق آسیا و اقیانوسیه بدتر خواهد شد.

آسیا تایمز: توفانی سهمگین در حال غرق کردن دلار افسانه ای است

پکن- ایرنا- شبکه خبری آسیا تایمز نوشت که توفانی قوی و سهمگین که معلول سیاست های آمریکا و همه گیری کرونا است در حال غرق کردن دلار افسانه ای است. به گزارش ایرنا آسیا تایمز روز سه شنبه در گزارشی نوشت: دلار که روزی بهترین ابزار برای رویارویی با کشورهای دیگر و بدهی های جهانی بود حالا به روزگار در هم شکستن نزدیک شده است ارزی که معلوم نیست باید بی اعتباری و تضعیف آن را مدیون سیاست های دونالد ترامپ رییس جمهوری آمریکا دانست و یا افسانه ای که به سقوط نزدیک می شود. رسانه هنگ کنگی ادامه می دهد: دستکم آنچه الان وجود دارد بدهی سنگین ۲۵ هزار میلیارد دلاری دولت آمریکا، جنگ تجاری و همه گیری یک ویروس است که هیچکدام برای قدردانی از دلار نیامده اند و برعکس در حال به زیر کشیدن اعتبارش هستند. بنا به این گزارش، روند غرق شدن دلار آنقدر سریع در حال رخ دادن است که همه را شگفت زده و مات می کند و از آن سو متغیرهای

دیگری چون بالا رفتن بهای طلا در دنیا و با اهمیت تر شدن ارزهای دیجیتال و البته در کنارش یوان پول ملی چین در حال شکل گرفتن است. آسیا تا بمرز تصریح کرد: بسیاری از شاخصه های اقتصادی، بدتر شدن وضعیت آمریکا را نشان می دهد اقتصاددان ها نیز این شرایط را معلول ناکامی آمریکا در کنترل ویروس کرونا و گسترش همه گیری می دانند. دولت آمریکا بر اساس این گزارش به بودجه ها و بسته های کمکی برای نجات اقتصاد نیاز دارد و از ماه فوریه به این طرف باید برای این منظور بین ۲ تا ۷ هزار میلیارد دلار در نظر گرفته شود و شاید بر اساس پیش بینی بانک آمریکا گلوبال ریسرچ این بسته کمکی به ۱۰ هزار میلیارد دلار نیز نزدیک شود که نیازمند تصویب کنگره است.

ساوت چاینا: خطر ترامپ برای آمریکا بیش از چین و کرونا است

پکن-ایرنا- «ساوت چاینا مورنینگ پست» چین نوشت خطری که دونالد ترامپ رییس جمهوری آمریکا برای این کشور دارد به مراتب تهدیدی بالاتر از کرونا و چین است. به گزارش ایرنا ساوت چاینا روز چهارشنبه نوشت: ترامپ توثیق هایی را درباره منتسب کردن کرونا به چین منتشر و ادعاهایی بی مدرک و سندی مطرح کرده است او خطری بزرگتر برای آمریکا محسوب می شود. گزارش افزوده است: ترامپ بیش از آنکه به مسایلی چون کرونا و تحولات اخیر در آمریکا توجه داشته باشد روی انتخابات ریاست جمهوری متمرکز شده است و هر برنامه و طرحی را در همین راستا دنبال می کند تا اینکه به هر هزینه ای که شده است در این انتخابات پیروز شود. ساوت چاینا انحراف کاخ سفید از توجه به واقعیت شیوع کرونا، گسترش همه گیری و سوء اطلاع رسانی در این زمینه را به سیاست های نادرست و مخرب ترامپ مربوط دانسته و افزوده است که چنین برخوردهایی امروز باعث مرگ ۱۵۰ هزار نفر بر اثر کرونا در آمریکا شده است. این گزارش شدت از سیاست های ترامپ بخصوص در زمینه مقابله با کرونا انتقاد کرده و برنامه های نادرستی چون انجام شدن دقیق فاصله گذاری اجتماعی و ماسک زدن در برخی از دوره ها در شیوع کرونا و بی توجهی رییس جمهوری و برخی از اطرافیان به ماسک را دستمایه وضع امروز همه گیری در آمریکا معرفی می کند. گزارش می افزاید به نظر نمی رسد ترامپ شانس چندانی در انتخابات ریاست جمهوری ماه نوامبر داشته باشد اما وضعیت وقتی نابسامان شد متغیرهای مختلفی را بوجود می آورد و در اتافی که پر از دود است با هر ترفندی هم شاید بتوان راه گریزی پیدا کرد. این گزارش تاکید کرده است تهدیدهای بزرگ برای آمریکا، کشور چین و بیماری کرونا نیستند زیرا این ویروس نهایتا با پیشرفت های علمی و همکاری مشترک در سال آینده میلادی از بین خواهد رفت اما این ترامپ است که به هر کسی که از او برای انتخاب مجدد در ماه نوامبر حمایت نکند، یورش خواهد برد.

- خبرگزاری صدا و سیما:

برای مقابله با هجوم ملخ / چین ۲۸ پهباد به پاکستان ارسال می کند

پاکستان برای مقابله با حمله ملخ های صحرائی که در ۲۵ سال گذشته بی سابقه بوده ۲۸ پهباد دیگر پیشرفته چینی از سری "تی-۱۶" را برای سمپاشی مزارع کشاورزی تحویل خواهد گرفت. به گزارش سرویس بین الملل خبرگزاری صداوسیما از اسلام آباد، منابع خبری در پاکستان اعلام کردند: چین ۲۸ پهباد دیگر را برای مقابله با ملخ ها به پاکستان می فرستد. پایگاه خبری "راديو پاکستان" اعلام کرد پاکستان که بیشتر برای مقابله با هجوم ملخ های صحرائی که هجوم آنها به ۴ ایالت این کشور گسترش پیدا کرده، ۱۲ فروند پهباد پیشرفته ساخت چین را وارد کرده بود، از واردات بیشتر پهبادهای چینی خبر داد. براساس این گزارش پاکستان برای مقابله با حمله ملخ های صحرائی که به گفته مسئولین این کشور در ۲۵ سال گذشته بی سابقه بوده طی روزهای آتی ۲۸ پهباد دیگر پیشرفته چینی از سری "تی-۱۶" را برای سمپاشی مزارع کشاورزی تحویل خواهد گرفت. به گفته منابع

خبری این پهبادهای چینی به طور ویژه برای استفاده در امور کشاورزی طراحی شده و قابلیت کنترل از فاصله دور را دارند. منابع خبری افزودند: به زودی یک تیم فنی از چین برای کمک به مسئولان پاکستانی در استفاده از این پهبادها عازم این کشور می‌شوند. خبرگزاری رادیو پاکستان گزارش داد: یک شرکت پیشرو چینی نیز ابراز تمایل کرده یک واحد صنعتی در پاکستان برای ساخت هواپیماهای بدون سرنشین جهت محافظت از محصولات زراعی و مبارزه با ملخ‌ها احداث کند. براساس پیش بینی سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) هجوم ملخ‌های صحرايي به زمین‌های کشاورزی پاکستان در فصل تابستان امسال خسارت ۴۶۰ میلیارد رویه به دنبال دارد. این در حالی که محصولات کشاورزی سهم ۲۷ درصدی در اقتصاد پاکستان داشته و نیمی از نیروی کار در پاکستان در این بخش مشغول فعالیت هستند. کارشناسان پیش بینی می‌کنند هجوم ملخ‌ها ضمن کاهش ۵۰ درصدی محصولات زراعی و باغی پاکستان می‌تواند در کنار معضل کرونا بر دیگر مشکلات اقتصادی این کشور افزوده شود.

سازمان ملی هواشناسی چین اعلام کرد؛ طوفان و بارندگی شدید در شرق چین

سازمان ملی هواشناسی چین از وقوع طوفان در استان ژجیانگ واقع در شرق این کشور خبر داد. به گزارش سرویس بین الملل خبرگزاری صدا و سیما؛ سازمان ملی هواشناسی چین از وقوع طوفان در استان ژجیانگ واقع در شرق این کشور خبر داد. به گزارش رویترز، سازمان هواشناسی چین اعلام کرد طوفان هاگوپیت چهارمین طوفانی است که از آغاز سال تاکنون در کشور رخ داده است. این طوفان حدود ساعت ۲:۳۰ دقیقه بامداد سه شنبه با بادهایی با سرعت بیش از ۱۳۶ کیلومتر در ساعت، شهر یوکینگ در استان ژجیانگ را درنوردید. این طوفان از صبح دوشنبه تا بامداد سه شنبه موجب بارندگی‌های شدید در بخش‌های شرقی و جنوبی این استان، و همچنین بخش‌های مرکزی و شرقی استان فوجیان شد. سازمان ملی هواشناسی چین پیش بینی می‌کند این طوفان با بادهایی به سرعت ۲۰ تا ۲۵ کیلومتر در ساعت به سمت شمال حرکت کند و به تدریج از قدرت آن کاسته شود، و چهارشنبه صبح به سمت سواحل غربی شبه جزیره کره پیش رود. منبع: خبرگزاری صداوسیما

در پیامی نوئیتري / عصانیت پمپنو از همکاری‌های راهبردی ایران و چین

وزیر امور خارجه آمریکا بار دیگر ادعا کرد قرارداد همکاری های راهبردی ایران و چین، منطقه خاورمیانه را بی ثبات خواهد کرد! به گزارش سرویس بین الملل خبرگزاری صداوسیما؛ مایک پمپنو وزیر امور خارجه آمریکا در توئیتی بار دیگر به قرارداد همکاری های راهبردی ایران-چین واکنش نشان داد. پمپنو ادعا کرد: ورود چین به ایران، خاورمیانه (غرب آسیا) را بی ثبات خواهد کرد و دسترسی این کشور به سامانه های تسلیحاتی و تجارت و پولهایی که از دولت چین جریان می‌گیرند، فقط این خطر را برای منطقه پیچیده و بفرنج می‌کند!

- تیتریک:

بین الملل "تیترا/۱" حضور تیم سازمان بهداشت جهانی در چین / دلیل جهش کروناویروس از حیوان به انسان چیست؟

تیمی از سازمان بهداشت جهانی در چین که برای تحقیق و بررسی منشأ کووید۱۹ به این کشور اعزام شده بودند بحث و گفتگو و تبادل اطلاعات گسترده ای با دانشمندان این کشور داشتند. به گزارش گروه بین الملل "تیترا"; تیمی از سازمان بهداشت جهانی (WHO) در چین که برای تحقیق و بررسی منشأ کووید۱۹ به این کشور اعزام شده بودند بحث و گفتگو و تبادل اطلاعات گسترده ای با دانشمندان این کشور که اولین مکان شیوع این ویروس بود داشتند. این گفتگوها شامل به روزرسانی های مربوط به تحقیقات بهداشتی حیوانات بود. چین در

آغاز شیوع این ویروس و یک روز پس از کشف بیماری در برخی از فروشندگان و دلالتان، بازار حیات وحش در ووهان را تعطیل کرد. سازمان بهداشت جهانی گفت که این ویروس به احتمال زیاد از خفاش ها و احتمالا واسطه میزبان دیگری ناشی می شود. دانشمندان و دولت های سراسر جهان منتظر نتایج تحقیقات WHO هستند. دولت ترامپ این سازمان را به چین محور بودن متهم می کند و به خاطر مدیریت همه گیری خود، تصمیم به ترک این آژانس دارد. این مأموریت ۲ هفته ای که شامل ۲ متخصص در زمینه بهداشت حیوانات و اپیدمیولوژی (همه گیرشناسی) است، وظیفه ایجاد زمینه همکاری با تیم گسترده ای از متخصصان چینی و بین المللی را بر عهده داشت. آنها کشف خواهند کرد که ویروس کووید ۱۹ چگونه از مانع گونه های حیوانات به سوی انسان جهش یافته است. معصومه میرحسینی - تیتریک

- خبرگزاری تسنیم:

راديو بين المللى چين: ممنوعیت استفاده از «تيك تاک» يك تراژدی برای آمریکا است

در شرایط کنونی که اقتصاد آمریکا تحت تاثیرات منفی ناشی از کرونا قرار گرفته، اعلام ممنوعیت علیه محصولات اینترنتی قانونی و پرترفدار چینی نه تنها آمریکا را نجات نخواهد داد بلکه بیش از پیش ضرری برای منافع مردم آمریکا است. به گزارش گروه بین الملل خبرگزاری تسنیم به نقل از راديو بين المللى چين، در روزهای اخیر، اخبار مبنی بر ممنوعیت استفاده از اپلیکیشن تیک تاک نسخه خارجی دونویین نرم افزار اجتماعی چینی از سوی آمریکا، مورد توجه فراوان جهانیان قرار گرفته است. برخی از تحلیلگران خاطرنشان کردند که این یک آزار و اذیت سیاسی است که توسط سیاستمداران آمریکا و برخی غول های اینترنتی ترویج شده است و ذهنیت سیاستمداران آمریکایی مبنی بر برانگیختن مقابله چین و آمریکا و سرکوب توسعه چین را نشان داده، همچنین به طور کامل حجاب از به اصطلاح "رقابت عادلانه" آمریکا بر داشته است. آمریکا با بهانه "امنیت ملی"، تیک تاک را ممنوع می کند، این اقدام بسیار شبیه "پیش فرض گناه" خود علیه شرکت های چینی مانند هواوی است. مازک لملی، استاد حقوق دانشگاه استنفورد، اخیرا در مصاحبه ای با سی ان ان (CNN) اظهار داشت که هیچ مدرکی مبنی بر این که تیک تاک تهدیدی برای امنیت ملی ایالات متحده است، وجود ندارد. افکار عمومی غربی نیز به طور کلی معتقد است که به اصطلاح "امنیت ملی" چیزی جز ابزاری نیست که آمریکا برای سرکوب کامل شرکت های پیشرفته علمی و فنی چین به کار می گیرد و نیز بهانه آمریکا بر برپا کردن "جنگ فناوری" علیه چین به شمار می رود. از لحاظ تجاری تیک تاک به عنوان یک نرم افزار اجتماعی با ۱ میلیارد مخاطب در سراسر جهان و در جامعه غربی محبوب است، به طور حتم اهمیت زیادی به مسایل امنیتی می دهد. این نرم افزار در مدت زمان طولانی مطابق با اصول بازار و قوانین بین المللی و با رعایت قوانین و مقررات ایالات متحده فعالیت های تجاری خود را در آمریکا انجام داده است و کلیه داده های کاربران آمریکایی در داخل آمریکا ذخیره می شود و داده های پشتیبان مخاطبان آمریکا نیز در سنگاپور ذخیره می شود. سیاستمداران آمریکا آن را به عنوان "ابزار اطلاعاتی" چین مورد انتقاد قرار داده اند که کاملا دستکاری سیاسی و سیاسی کردن مسایل اقتصادی برای تامین خواسته های خودخواهانه سیاسی برخی سیاستمداران آمریکا است. علاوه بر این، دولت آمریکا تهدید کرده است که تیک تاک را ممنوع کند. دلیل دیگر این است که این نرم افزار در رقابت عادلانه با بسیاری شرکت های بزرگ اینترنتی در آمریکا، با موقعیت و ویژگی خاص خود، کاربران غربی را به خود جلب کرده است که انحصار شرکت های آمریکا بر نرم افزار اجتماعی غربی را شکسته است. به همین دلیل از نظر آن ها نوظهوری شرکت های جدید اینترنتی به نمایندگی تیک تاک نشاندهنده نگرانی آمریکا از کمبود توان رقابتی شرکت های کشور خود در رقابت های فناوری است. آمریکا می خواهد این شرکت و نرم افزار نوظهور را در جریان توسعه خود از بین ببرد. در واقع، سال های اخیر پدیده های

سرکوب شرکت های چینی از سوی سیاستمداران آمریکایی زیاد دیده می شود. از محدودیت قابل ملاحظه سرمایه گذاری و فعالیت های یکپارچه سازی تجاری شرکت های چینی در آمریکا تا توقف عرضه به موسسات چینی در صنعت 5G و تا تهدید به ممنوعیت استفاده از نرم افزار های چینی از جمله تیک تاک، جهانیان به خوبی با این وضعیت آشنا هستند که به اصطلاح اقتصاد بازار و رقابت منصفانه چیزی جز ابزار سیاستمداران آمریکایی نیست. اما آیا این اقدامات واقعا به نفع آمریکا است؟ با باز شدن جعبه پاندورا، این خود آمریکا است که آسیب های سنگینی خواهد دید. به عنوان مثال، تیک تاک در داخل آمریکا بیش از ۱۵۰۰ پرسنل مشغول به کار دارد و برنامه داشت تا در سه سال آینده ۱۰ هزار کارمند جدید استخدام کند. سرکوب بدخواهانه آمریکا علیه شرکت های چینی نشان می دهد که این سیاستمداران آمریکا برای حمله به چین هوش و حواس خود را از دست داده و رفتارشان با ادعای آن ها برای "بازشکوفایی اقتصاد" کاملا نتیجه برعکس دارد. برای جوانان آمریکا، تیک تاک جذابیت بسیاری دارد و ممنوعیت استفاده از آن باعث از دست دادن حمایت بیشتر مردم از دولت خواهد شد. در درازمدت، دولت آمریکا آشکارا اصول سازمان تجارت جهانی برای درهای باز، شفافیت و عدم تبعیض را نقض کرد و شرکت های نوآور تکنولوژی جهان را با چهره بی منطق و متکبر خود آشنا ساخت. سوال این است که در آینده چه شرکت های خارجی دیگر تمایل برای ورود به بازار این کشور خواهند داشت و منتظر اذیت و ظلم آمریکا خواهند ماند؟ هنگامی که نوآوران تکنولوژی از آمریکا دور شوند، بازار این کشور نیز جذابیت اصلی خود را از دست داده و به افت و زوال می رود. در شرایط کنونی که اقتصاد آمریکا تحت تاثیرات منفی ناشی از شیوع همه گیری کرونا قرار گرفته، اعلام ممنوعیت علیه محصولات اینترنتی قانونی و پرترفدار چینی از سوی سیاستمداران آمریکا و آن را به "فربانی" در رقابت چین و آمریکا تبدیل کردن، نه تنها آمریکا را نجات نخواهد داد بلکه بیش از پیش ضرری برای منافع مردم آمریکا است که دچار مشکلات شیوع بیماری همه گیر نیز هستند و این بیش از پیش آمریکا را به انزوا خواهد کشاند. این مساله به طور واقعی یک تراژدی برای آمریکا است! انتهای پیام/

- فانوس زاگرس:

خوش بینی به شرق

فانوس زاگرس؛ گروه سیاسی / موضوع سند توافق ۲۵ ساله ایران و چین که در هفته های اخیر خیرساز شده است را می توان ذیل یک تصویر کلی تر نیز بررسی کرد. تصویری که پایه و اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در حدود دو دهه اخیر را تشکیل می دهد و آن هم نگاه به شرق است. این نکته صحیح است که در دوران مذاکرات هسته ای این سیاست تا حدودی تعدیل شد اما با خروج ایالات متحده از برجام دوباره شاهد بازگشت پر قدرت تر نگاه به شرق در دیپلماسی کشور هستیم. مشکل اساسی که در اجرای این سیاست وجود دارد نوع نگاهی است که تصمیم گیران به قدرت های شرقی و به طور مشخص روسیه و چین دارند؛ نگاهی توأم با خوشبینی و در برخی موضوعات خلاف برخی مواردی که آشکارا مشهود هستند. درباره سیاست نگاه به شرق دیدگاه های متفاوتی مطرح است؛ برخی آن را با توجه به شرایطی که میان جمهوری اسلامی و قدرت های غربی برقرار است انتخابی ناگزیر می دانند که با وجود وجوه منفی آن می تواند از انزوای کامل سیاسی و اقتصادی کشور جلوگیری کند، گروهی نتیجه این روند را مخدوش شدن استقلال ایران دانسته و بر این باور هستند که آنچه در عمل رخ می دهد امکانی در جهت منافع ملی نیست و تنها سود چنین سیاستی به جیب روس ها و چینی ها خواهد رفت، گروه سومی نیز هستند که بر این باورند که مشکل اساسی در نگاه به شرق نیست، بلکه مسئله ای که با آن درگیر هستیم عدم نگاه به غرب است. فارغ از آن که چه نگاهی به سیاست نگاه به شرق داریم و درباره نتایج آن چه داوری داشته باشیم، آنچه حائز اهمیتی بیشتر است آن که در لایه زیرین نگاه تصمیم گیران به شرق

شاهد نوعی خوشبینی هستیم که با نادیده گرفتن واقعیت‌های همین چند سال اخیر در روابط ایران با چین و یا روسیه این سیاست را حلال تمامی مشکلات می‌دانند. این خوشبینی را می‌توان در اظهارنظرهای مسئولان درباره قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین نیز به روشنی مشاهده کرد. با نگاهی به آنچه مسئولان وزارت امور خارجه درباره این توافق می‌گویند شاهد هستیم که آنان با دیدگاه به شدت خوشبینانه به موضوع رابطه با چین می‌نگرند و در تلاش هستند تا با همین خوشبینی غیرمعمول پاسخ هر نقدی به این توافق را بدهند. به نظر می‌آید که مشکل اساسی همین خوشبینی به شرق و به طور کلی نگاه خوشبینانه به مسائل حوزه سیاست خارجی است. مسائلی که ریشه و اساس آن اصولا با بدبینی و بی‌اعتمادی همراه است اما در کمال تعجب شاهد هستیم که دیپلمات‌های با سابقه کشورمان با وجود آن که سال‌هایی طولانی در مذاکرات با تیم‌های دیپلماتی قدرتمند شرق و غرب جهان بوده‌اند اما در اجرای سیاست نگاه به شرق کاملا خوشبین رفتار کرده و بر مبنای نگاهی غیر واقعی عمل می‌کنند. سند قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین، هر چه که باشد و با هر مفادی که به سرانجام برسد، این مسئله مهم‌تری است که با چه رویکردی در مذاکرات منتهی به این توافق و دیگر مذاکرات مشابه ظاهر شویم؛ بعید به نظر می‌آید که بتوان با خوشبینی افراطی به چین، روسیه و حتی قدرتمندهای غربی بتوان به نتیجه‌ای مثبت و حفظ منافع ملی دست یافت. انتهای خیر/

- مردم سالاری:

حمیدرضا ایلخانی کارشناس حقوق بین الملل: ایران بازنده سند راهبردی با چین خواهد بود، مگر آنکه چین هم تعهداتی بدهد

«برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک ایران و چین» هفته‌هاست که موضوع بحث و گفت‌وگوهای ایرانیان شده، از بحث‌های همیشگی مهمانی‌ها تا بحث‌های کارشناسی و شبکه‌های اجتماعی، همه درباره این موضوع نظری دارند و همه هم معتقدند نظرشان درست و دقیق است. این در حالی است که هر آنچه از این قرارداد می‌دانیم، در یک متن کوتاه منتشر شده که هیچ مفهوم دقیقی در آن نیست. «برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک ایران و چین» هفته‌هاست که موضوع بحث و گفت‌وگوهای ایرانیان شده، از بحث‌های همیشگی مهمانی‌ها تا بحث‌های کارشناسی و شبکه‌های اجتماعی، همه درباره این موضوع نظری دارند و همه هم معتقدند نظرشان درست و دقیق است. این در حالی است که هر آنچه از این قرارداد می‌دانیم، در یک متن کوتاه منتشر شده که هیچ مفهوم دقیقی در آن نیست. همچنین در این متن به هیچ جزئیاتی اشاره نشده که این خود سوالات زیادی را برای ناظران ایجاد کرده است. آنچه در حال حاضر از این سند می‌دانیم این است که کشور چین سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران، شرکت ملی صادرات گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، زیرساخت‌های ایران و همکاری نظامی، امنیتی، فرهنگی و قضایی انجام خواهد داد. در همان روزهای ابتدایی، رسانه‌ای به نام «پترولیوم اکونومیست» مدعیاتی منتشر کرد که تا امروز دستمایه بحث و گفتگوهای بین مردم و کارشناسان قرار گرفته است. از جمله این ادعاها حجم سرمایه‌گذاری معادل ۲۸۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار آمریکا است که بخش قابل توجهی از این سرمایه‌گذاری، طی سال نخست اجرای قرارداد ۲۵ ساله با آنها به صنعت نفت و گاز ایران تزریق می‌شود. همچنین مابقی آن به صورت مرحله‌ای و براساس توافق دو طرف از سوی پکن در ایران انجام خواهد شد. به نظر می‌رسد در شرایطی که تحریم‌های آمریکا علیه کشورمان (استراتژی فشار حداکثری) منجر به بحران اقتصادی در کشور شده، یک توافق بلندمدت با چین (یا کشوری مشابه) راهی برای ایران در برابر تحریم فزاینده اقتصادی است. البته منتقدان این حرکت، شامل برخی سیاستمداران داخل و مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور از این توافق به خصوص با ادعای استقرار نیروهای نظامی چین و واگذاری برخی جزایر جنوب ایران انتقاد کرده‌اند.

مدافعان سند در مقابل می‌گویند این مرحله صرفاً یک توافق راهبردی برای تعیین چارچوب کلان همکاری تدوین شده و شامل اعداد و ارقام مورد بحث نمی‌باشد. در این میان گروه سومی نیز هستند که عملی شدن آنچه اعلام شده را دور از واقعیت می‌دانند. از نظر آنها چین تحریم‌های آمریکا را هیچ‌گاه برای ایران نقض نخواهد کرد و در نهایت منافع خود با آمریکا و اروپا را به ایران ترجیح خواهد داد. فارغ از اینکه هر کدام از این فرضیه‌ها چقدر به واقعیت نزدیک هستند باید دانست که منافع ملی هر کشوری مختص به خود او بوده و در بسیاری از مواقع در تعارض با منافع کشورهای طرف قرارداد خواهد بود. از همین جهت با حمیدرضا ایلخانی عضو حزب مردم سالاری و دبیر حزب در استان آذربایجان شرقی به صحبت در همین رابطه نشستیم. آقای ایلخانی معتقد است بیش از هر چیز متن حقوقی قرارداد اهمیت دارد. این دانش آموخته حقوق بین الملل دانشگاه تهران به ما گفت چه بسیار قراردادهایی که با نیت خیر در نهایت به زیان منافع کشور شد. لذا باید در بررسی این قراردادها دقت کرد. گفتگوی «مردم‌سالاری آنلاین» با حمیدرضا ایلخانی کارشناس حقوق بین الملل را درباره قرارداد ایران و چین بخوانید.

قرارداد ۲۵ ساله ایران-چین از نظر شما چگونه فهم می‌شود؟ آیا این قرارداد سیاسی است که قرار است منافع اقتصادی را تامین کند یا با استفاده از ابزار اقتصادی قرار است منافع سیاسی را پوشش دهد؟ قدرت چین و ضعف فعلی ایران به دلیل تحریم‌ها مشکلی ایجاد نخواهد کرد؟ // اساساً در روابط حاکم بر فضای بین‌المللی امروز هر پیمان، قرارداد و معاهده و پروتکل، ذیل اهداف متفاوتی دنبال می‌شود که می‌تواند سیاسی، حقوقی، اقتصادی و یا تجاری باشد. چرا که دولت‌ها بر مبنای منافع کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت به سمت همکاری‌های مشترک بین دو کشور یا منطقه‌ای و جهانی می‌روند. بر این اساس ابتدا بایستی قرارداد ۲۵ ساله راهبردی با چین از این منظر مورد بررسی قرار گیرد. یعنی اول بدانیم که کدام بعد برای دولتمردان چین و ایران مدنظر قرار گرفته است. من فکر می‌کنم با توجه به چیزی که در فضای مجازی منتشر شده (متن اولیه قرارداد) بعد سیاسی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. البته نباید فراموش کرد که همین بعد سیاسی اگر با اقدامات و فرضیات صحیح نسبت به طرف مقابل و بحث‌های حقوقی دقیق همراه شود، می‌تواند منتج به نتایج اقتصادی و تجاری مفیدی برای هر دو طرف بخصوص کشورمان گردد.

سوالی که اینجا به وجود می‌آید این است که با توجه به قدرت اقتصادی چین که می‌تواند به راحتی حتی آمریکا را به چالش بکشد، کمی نباید دست به عصا تر حرکت کرد؟ سوال قبلی من ناظر بر همین نکته بود که آیا ضعف اقتصادی در کشور که به هر حال ۱۰ سال تحریم‌های بی‌سابقه در جهان به آن فشار می‌آورد، اوضاع را به زیان ایران نخواهد کرد؟ // ببینید در فضای بین‌الملل با توجه به بروز مولفه‌های خاص قدرت، اعم از قدرت نرم و سخت که شامل توان نظامی، سیاسی، حقوقی، ایدئولوژیکی و تاثیرگذاری بر افکار عمومی است، تعریف کشورهای ضعیف و قوی، دیگر مثل قرن گذشته مفهومی مطلق و صفر و یکی ندارد. اگر مسائل جهان را واقع‌بینانه ببینیم، متوجه می‌شویم که اغلب کشورها (چه توسعه یافته و چه در حال توسعه) با درکی خاص از مساله جهانی شدن (که البته لزوماً هم می‌تواند شبیه به هم نباشد)، به طرف یک هم‌ترازی و بالانس قدرت پیش می‌روند. لذا با طرح این مساله، یک مقداری بحث دچار سردرگمی خواهد شد. ببینید این واژه‌ها دقیق نیستند. وقتی ما می‌گوییم کشور ضعیف به کدام مولفه اشاره می‌کنیم؟ یعنی کشور ضعیف از چه جهتی ضعیف است؟ یا کشور قوی از چه بعدی دارای قدرت می‌باشد؟ این مفاهیم به شدت سیال هستند و دقیقاً در مناسبات دو کشور می‌توان با محاسبه مولفه‌های قدرت دریافت که کدام قوی و کدام ضعیف است. مثلاً در این مورد بخصوص درخواهیم یافت که ایران در مقابل چین، شاید از منظر قدرت اقتصادی ضعیف به نظر برسد، اما در بعد جذابیت‌هایی از قبیل وجود منابع بسیار زیاد در کشور، قوی تلقی می‌شود. لذا روش مقایسه و بررسی مواردی که چین در کشورهای دیگر سرمایه‌گذاری و منجر به نتایج ناراحت‌کننده‌ای برای کشور میزبان گشته، نمی‌تواند نقشی در خصوص این قرارداد بخصوص ایفا کند. نکته کلیدی قضیه این است که ما قراردادهای را براساس اهداف سیاسی خود منعقد می‌کنیم، در حالی که در



قراردادهای سیاسی با توجه به قدرت نفوذ برخی کشورها از جمله آمریکا، روسیه، چین و کشورهای اروپایی در بعد تاثیرگذاری بر نهادهای بین‌المللی ضعیف تلقی می‌شویم. این نشان می‌دهد رویکرد ما از جهتی است که در آن ضعف داریم. جالب‌تر این‌که منابع اقتصادی و تجاری خود را نیز در بعد سرمایه‌گذاری می‌کنیم که در آن ضعیف هستیم. لذا قرارداد ۲۵ ساله راهبردی ایران و چین، در مرحله اول باید یک قرارداد متوازن اقتصادی، تجاری و حقوقی باشد تا از آن بتوانیم برای رسیدن به اهداف سیاسی خود و ایفای نقش موثر بین‌المللی استفاده کنیم. به عبارت بهتر، محتوا و مبنای این قرارداد ابتدا باید اقتصادی، تجاری، حقوقی و سپس سیاسی باشد. وقتی این امر محقق شد قطعاً طرف چینی (یا هر کشور دیگری) در راستای حفظ یک پیمان اقتصادی متوازن حاضر خواهد بود هزینه سیاسی را نیز بپردازد. اما طی یک پیمان سیاسی و غیرمتوازن (با توجه به وزن سیاسی ایران در برابر چین) آن کشور به اهداف اقتصادی و تجاری خود خواهد رسید و لزومی در پرداخت هزینه سیاسی برای حفظ و اجرای پیمان خود نخواهد داشت.

به نظر شما این قرارداد یک گردش به چپ محسوب می‌شود؟ به هر حال سیاست خارجی ایران تا امروز براساس موازنه منفی نه شرقی و نه غربی بود. آیا گردش به سمت چین می‌تواند آینده سیاست خارجی ما را تعیین کند؟ // گردش، سمت و جهت در دنیای امروز دیگر به آن شکل کلاسیک مفهومی ندارد. به غیر از کشورهای غاصب، هر جایی که منافع ملی ایجاد کند با رویکرد هوشمندانه می‌توان مذاکره کرد. این‌که طرف مقابل عهدشکن بوده یا نه، به هنر دیپلماسی و آگاهی حقوقی شما برمی‌گردد. مگر این‌که مذاکره با طرف خاصی را در یک مقاطع خاص بشود استفاده کرد. مثلاً مذاکره با آمریکا در آستانه انتخابات، در خصوص خود آمریکای عهدشکن، مفاد از برجام انصافاً به لحاظ حقوقی آمریکا را منزوی کرد لیکن به دلیل قدرت نفوذ آمریکا در ابعاد سیاسی، ضمانت اجرایی نداشت. به هر طریق سمت و جهتی مطرح نیست.

خب با این همه آیا این وضعیت به ما نشان نمی‌دهد که در آینده برای کار کردن با غرب دچار مشکل خواهیم شد؟ آیا شما می‌توانید بگویید جهت آلمان یا فرانسه و ایتالیا به کجا است؟ // ما با تمام دنیا و لاجرم غرب بایستی کار بکنیم. تقسیمات غرب و شرق در دنیای امروز صرفاً جغرافیایی است. دنیا یک باشگاه بدن‌سازی و قدرت‌یابی است که باید وزنه را از دست دیگران قاپید. شما وقتی وارد فروشگاه‌های آلمان، فرانسه و آمریکا می‌شوید با ملاحظه اجناس چینی این موضوع را می‌توانید به شکل ملموس درک کنید که مرز برای اقتصاد وجود ندارد. وقتی وارد یک مترو یا نمایشگاه در چین یا اروپا می‌شوید، ملاحظه می‌کنید که همه دنیا در داخل این مترو با هم صحبت می‌کنند، مباحثه می‌کنند، تقسیم‌بندی غرب و شرق مربوط به حاکمیت‌های سیاسی است. در حوزه اقتصاد و تجارت امروزه دیگر مفهومی ندارد. خود چینی‌ها یا روس‌ها آیا در حوزه اقتصاد از تفکرات ایدئولوژیکی و سیاسی پیروی می‌کنند؟ جالب است بروز کرونا در دنیا و مشخصاً آمریکا، پای اقتصاد سوسیالیستی را در حوزه درمان به آمریکا و انگلیس کشاند. این نشان می‌دهد که در حوزه اقتصاد و تجارت مفهوم غرب و شرق وجود ندارد. فقط باید محدودیت‌های اخلاقی و اعتقادی را مدنظر قرار داد.

در این بین بسیاری از حرف‌های درگوشی مردم هم شنیدنی شده، مثل مستعمره کردن ایران توسط چین؛ به لحاظ عملی چقدر امکان این موضوع وجود دارد؟ // در دنیای کنونی نه امکان بروز استعمار وجود دارد و نه کشورها به دنبال این کار هستند. الان مستعمره هزینه دارد. این خیلی نگاه بدبینانه و غیرمنصفانه است که تصور کنیم دستگاه دیپلماسی ما اجازه واگذاری بخش‌هایی از کشور را تحت پیمانی به چین دهد. من قبلاً هم عرض کردم اگر سند راهبردی ایران و چین همانی باشد که منتشر شده و در فضای مجازی وجود دارد، ایران بازنده این سند راهبردی خواهد بود. مگر این‌که صحبت‌های آقای واعظی را مبنا قرار دهیم که این سند تعهدآور نیست و یک برنامه راهبردی غیرتعهدآور است. شاید زمانی در معاهدات قابل تامل تاریخ ایران، برخی افراد در عالم خود بنای خدمت داشتند، اما آنچه از دل این قراردادها بیرون آمد، در نهایت به نفع کشور نبود. باید بپذیریم که برخی غفلت‌ها

از ناحیه حتی صادق‌ترین افراد می‌تواند بار خیانت داشته باشد. در خصوص سند راهبردی ایران و چین، اصل ایجاد این سند و کلیات آن و اصل اقدام در این خصوص همانند برجام امری ممدوح و استراتژیک و قابل قبول است. اما آنچه که از محتوایی که در فضای مجازی آمده است و مشاهده شد اگر واقعیت داشته باشد، به دلیل روشن بودن تعهدات طرف ایرانی و ضمانت اجرایی آن قابل پیگیری در مجامع بین‌المللی است. در حالی که تعهدات طرف چینی مبهم، غیرشفاف و فاقد ضمانت اجرایی است.

روشن‌تر توضیح می‌دهید؟ چطور می‌شود که طرف ایرانی متعهد باشد و طرف چینی نتواند از زیر ابعاد حقوقی ماجرا فرار کند؟ // به لحاظ حقوقی در تعهدات طرف ایرانی جملاتی هست مانند «تامین گاز برای پاکستان و چین»، «چین به عنوان وارد کننده ثابت نفت از ایران»، «تعهد ایران به انتقال انرژی از غرب به شرق»، «عرضه پایدار نفت خام به چین» و موارد متعددی جملات شبیه به این، صریح و مشخص ذکر شده است. از طرف دیگر در تعهدات طرف چینی از جملاتی نظیر «همکاری»، «توسعه» و پیشنهاد استفاده شده که مفاهیمی غیرالزام‌آور هستند. براساس این مفهوم ایران متعهد به تامین نفت و گاز چین برای ۲۵ سال شده، در حالی که در این سند باید این تعهدات مشروط به انجام تعهدات و تحقق درصدی از تعهدات طرف چینی می‌شد، تا همانند برجام اگر طرف خارجی به تعهدات خود عمل نکرد، بتوان با کمترین هزینه به نقطه اول بازگشت که البته برخی از این پتانسیل‌ها در برجام مغفول واقع شده است. نکته دیگر این‌که مناسبانه اصول بدیهی یک متن حقوقی برای مصالح یک کشور حتی در سطح پیش‌نویس مورد توجه قرار نگرفته است. جالب این‌که مطابق نظر مسئولین وزارت خارجه، این پیش‌نویس در همین شکل توسط طرف ایرانی تنظیم شده است. ایران تحت هر شرایطی (اگر مطابق این سند بخواهیم قضاوت کنیم) و به هر قیمتی به شکل بی‌فید و شرط متعهد به تامین انرژی، تامین امنیت و انتقال انرژی به شرق و بخصوص به کشور چین شده است. در مقابل ما شرایطی برای طرف چینی نداریم که الزام‌آور باشد. طرف چینی صرفاً متعهد به همکاری، هماهنگی و توسعه شده که واژه‌هایی بسیار مبهم است. این که توسعه به چه میزان باشد، در کجا باشد، در چه حوزه‌هایی باشد و... ابدأ بحث نشده، یا مثلاً در بحث «همکاری» مشخص نیست چه تعهداتی را شامل می‌شود و محدوده آن چه خواهد بود. همچنین در بحث مشارکت، روش و کیفیت آن معلوم نیست و اساساً چین متعهد به اقداماتی مبهم و بدون دامنه مشخص گردیده است. در حالی که شرح و جزئیات این اقدامات اساساً باید در سند راهبردی درج شود و در روال عادی روابط و همکاری دو کشور محقق نمی‌گردد.

خب چرا موضوع به این اهمیت از چشم مقامات کشور پنهان مانده؟ طبعاً در هر کدام از دستگاه‌های دولتی افرادی هستند که بتوانند معضلات قانونی قراردادها را بیرون بیاورند. چرا تا به حال توضیحی از جانب مسئولان داده نشده است؟ // چندین سناریو جود دارد. یا طرف چینی هم متعهد به انجام تکالیف خود، به عنوان مثال تامین مالی به میزان مشخص، ظرف مدت معین گردیده یا متعهد به انجام قطعی تعداد مشخصی پروژه در بازه زمانی معین در ایران شده است. یا ممکن است متعهد به انتقال دانش فنی صنایع مشخصی در بازه زمانی معین شده باشد. مواردی از این قبیل که باید در سند ذکر و تدقیق گشته و ضمیمه شود. چون مشخصاً می‌توان انجام تعهدات از جهت کمیت و کیفیت را مشخص کرد. البته ممکن است این سند راهبردی یک معاهده، پیمان و قرارداد نباشد. بلکه به عنوان یک برنامه همکاری مشترک به آن نگاه شده که در این صورت با تأکیدات آقای واعظی، نیاز به تصویب در مجلس ندارد چرا که تعهد آور نیست. بهتر نیست این سند به مجلس رفته و بررسی شود؟ به هر حال هم به لحاظ قانونی و هم به لحاظ عرفی مجلس وظیفه دارد بر اینگونه قراردادها نظارت کند. اتفاقاً من معتقدم این سند تحت هیچ عنوانی نباید به مجلس ارسال گردد. باعث بسی تاسف است که برخی به عنوان وکیل مدافع کشور چین عمل می‌کنند و خواهان تصویب آن در مجلس هستند. در حالی که کشور چین است که (در صورت وجود یک قرارداد) باید خواستار طی روند قانونی تصویب باشد. اگر این قرارداد در مجلس ما تصویب شده و به عنوان یک

قانون یا چیزی شبیه به آن ابلاغ گردد، در صورتی که یک روزی ما احساس کردیم که منافع ما در این قرارداد تامین نشده، امکان بازنگری در این قرارداد را نخواهیم داشت. شبیه همان کاری که آمریکایی‌ها در برجام کردند و بدون تصویب مجلس خود متعهد به اجرای برجام شدند. همین موضوع به ترامپ کمک کرد که به بهانه عدم تامین منافع ملی آمریکا از برجام خارج شود.

در نهایت پیشنهاد شما به عنوان یک کارشناس مسائل حقوقی چیست؟ // به نظر من آقای دکتر ظریف با دلسوزی و صداقتی که دارد، باید از حقوق دانان برجسته و ملی کشور در خصوص متن سند مشاوره بگیرد، چرا که این برنامه راهبردی، یک سند حقوقی است که براساس اصول حقوقی، منبعث از روابط و مناسبات سیاسی تنظیم می‌شود. اگر این اصول مورد بی‌توجهی قرار گیرد در نهایت کشور متضرر خواهد شد، اما اگر در موارد حقوقی قرارداد (اینجا مساله چین نیست، هر قراردادی با هر کشوری) دقت کنیم، منافع کشور را در طولانی مدت تامین کرده‌ایم. در نهایت آنچه براساس آن قضاوت، داوری و ادعا صورت می‌گیرد و مجامع بین‌المللی به آن احترام می‌گذارند، اصول حقوقی است. چرا که مناسبات و روابط سیاسی هر روز دستخوش تغییر و تحولات هستند. من معتقدم اصل تحقق این سند قابل دفاع و اقدامی ارزشمند است. لکن محتوای آن براساس اصول حقوقی و آنچه گفته شد دارای مواردی مغفول است که باید مورد توجه قرار گیرد. راهبردی با چین خواهد بود «برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک ایران و چین» هفته‌هاست که موضوع بحث و گفت‌وگوهای ایرانیان شده، از بحث‌های همیشگی مهمانی‌ها تا بحث‌های کارشناسی و شبکه‌های اجتماعی، همه درباره این موضوع نظری دارند و همه هم معتقدند نظرشان درست و دقیق است. این در حالی است که هر آنچه از این قرارداد می‌دانیم، در یک متن کوتاه منتشر شده که هیچ مفهوم دقیقی در آن نیست. همچنین در این متن به هیچ جزئیاتی اشاره نشده که این خود سوالات زیادی را برای ناظران ایجاد کرده است. آنچه در حال حاضر از این سند می‌دانیم این است که کشور چین سرمایه‌گذاری‌هایی در صنعت نفت ایران، شرکت ملی صادرات گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، زیرساخت‌های ایران و همکاری نظامی، امنیتی، فرهنگی و قضایی انجام خواهد داد. در همان روزهای ابتدایی، رسانه‌ای به نام «پترولیوم اکونومیست» مدعیاتی منتشر کرد که تا امروز دستمایه بحث و گفتگوهای بین مردم و کارشناسان قرار گرفته است. از جمله این ادعاها حجم سرمایه‌گذاری معادل ۲۸۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار آمریکا است که بخش قابل توجهی از این سرمایه‌گذاری، طی سال نخست اجرای قرارداد ۲۵ ساله با آنها به صنعت نفت و گاز ایران تزریق می‌شود. همچنین مابقی آن به صورت مرحله‌ای و براساس توافق دو طرف از سوی پکن در ایران انجام خواهد شد. به نظر می‌رسد در شرایطی که تحریم‌های آمریکا علیه کشورمان (استراتژی فشار حداکثری) منجر به بحران اقتصادی در کشور شده، یک توافق بلندمدت با چین (یا کشوری مشابه) راهی برای ایران در برابر تحریم فزاینده اقتصادی است. البته منتقدان این حرکت، شامل برخی سیاستمداران داخل و مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور از این توافق به خصوص با ادعای استقرار نیروهای نظامی چین و واگذاری برخی جزایر جنوب ایران انتقاد کرده‌اند. مدافعان سند در مقابل می‌گویند این مرحله صرفاً یک توافق راهبردی برای تعیین چارچوب کلان همکاری تدوین شده و شامل اعداد و ارقام مورد بحث نمی‌باشد. در این میان گروه سومی نیز هستند که عملی شدن آنچه اعلام شده را دور از واقعیت می‌دانند. از نظر آنها چین تحریم‌های آمریکا را هیچ‌گاه برای ایران نقض نخواهد کرد و در نهایت منافع خود با آمریکا و اروپا را به ایران ترجیح خواهد داد. فارغ از اینکه هر کدام از این فرضیه‌ها چقدر به واقعیت نزدیک هستند باید دانست که منافع ملی هر کشوری مختص به خود او بوده و در بسیاری از مواقع در تعارض با منافع کشورهای طرف قرارداد خواهد بود. از همین جهت با حمیدرضا ایلخانی عضو حزب مردم سالاری و دبیر حزب در استان آذربایجان شرقی به صحبت در همین رابطه نشستیم. آقای ایلخانی معتقد است بیش از هر چیز متن حقوقی قرارداد اهمیت دارد. این دانش آموخته حقوق بین الملل دانشگاه تهران به ما گفت چه بسیار قراردادهایی که با نیت خیر در نهایت به زیان منافع کشور شد. لذا

باید در بررسی این قراردادها دقت کرد. گفتگوی «مردم‌سالاری آنلاین» با حمیدرضا ایلخانی کارشناس حقوق بین الملل را درباره قرارداد ایران و چین بخوانید.

قرارداد ۲۵ ساله ایران-چین از نظر شما چطور فهم می‌شود؟ آیا این قرارداد سیاسی است که قرار است منافع اقتصادی را تامین کند یا با استفاده از ابزار اقتصادی قرار است منافع سیاسی را پوشش دهد؟ قدرت چین و ضعف فعلی ایران به دلیل تحریم‌ها مشکلی ایجاد نخواهد کرد؟ // اساسا در روابط حاکم بر فضای بین‌المللی امروز هر پیمان، قرارداد و معاهده و پروتکل، ذیل اهداف متفاوتی دنبال می‌شود که می‌تواند سیاسی، حقوقی، اقتصادی و یا تجاری باشد. چرا که دولت‌ها بر مبنای منافع کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت به سمت همکاری‌های مشترک بین دو کشور یا منطقه‌ای و جهانی می‌روند. بر این اساس ابتدا بایستی قرارداد ۲۵ ساله راهبردی با چین از این منظر مورد بررسی قرار گیرد. یعنی اول بدانیم که کدام بعد برای دولتمردان چین و ایران مدنظر قرار گرفته است. من فکر می‌کنم با توجه به چیزی که در فضای مجازی منتشر شده (متن اولیه قرارداد) بعد سیاسی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. البته نباید فراموش کرد که همین بعد سیاسی اگر با اقدامات و فرضیات صحیح نسبت به طرف مقابل و بحث‌های حقوقی دقیق همراه شود، می‌تواند منتج به نتایج اقتصادی و تجاری مفیدی برای هر دو طرف بخصوص کشورمان گردد.

سوالی که اینجا به وجود می‌آید این است که با توجه به قدرت اقتصادی چین که می‌تواند به راحتی حتی آمریکا را به چالش بکشد، کمی نباید دست به عصا تر حرکت کرد؟ سوال قبلی من ناظر بر همین نکته بود که آیا ضعف اقتصادی در کشور که به هر حال ۱۰ سال تحریم‌های بی‌سابقه در جهان به آن فشار می‌آورد، اوضاع را به زیان ایران نخواهد کرد؟ // ببینید در فضای بین‌الملل با توجه به بروز مولفه‌های خاص قدرت، اعم از قدرت نرم و سخت که شامل توان نظامی، سیاسی، حقوقی، ایدئولوژیکی و تاثیرگذاری بر افکار عمومی است، تعریف کشورهای ضعیف و قوی، دیگر مثل قرن گذشته مفهومی مطلق و صفر و یکی ندارد. اگر مسائل جهان را واقع‌بینانه ببینیم، متوجه می‌شویم که اغلب کشورها (چه توسعه یافته و چه در حال توسعه) با درکی خاص از مساله جهانی شدن (که البته لزوما هم می‌تواند شبیه به هم نباشد)، به طرف یک هم‌ترازی و بالانس قدرت پیش می‌روند. لذا با طرح این مساله، یک مقداری بحث دچار سردرگمی خواهد شد. ببینید این واژه‌ها دقیق نیستند. وقتی ما می‌گوییم کشور ضعیف به کدام مولفه اشاره می‌کنیم؟ یعنی کشور ضعیف از چه جهتی ضعیف است؟ یا کشور قوی از چه بعدی دارای قدرت می‌باشد؟ این مفاهیم به شدت سیال هستند و دقیقا در مناسبات دو کشور میتوان با محاسبه مولفه های قدرت دریافت که کدام قوی و کدام ضعیف است. مثلا در این مورد بخصوص درخواهیم یافت که ایران در مقابل چین، شاید از منظر قدرت اقتصادی ضعیف به نظر برسد، اما در بعد جذابیت‌هایی از قبیل وجود منابع بسیار زیاد در کشور، قوی تلقی می‌شود. لذا روش مقایسه و بررسی مواردی که چین در کشورهای دیگر سرمایه‌گذاری و منجر به نتایج ناراحت‌کننده‌ای برای کشور میزبان گشته، نمی‌تواند نقشی در خصوص این قرارداد بخصوص ایفا کند. نکته کلیدی قضیه این است که ما قراردادها را براساس اهداف سیاسی خود منعقد می‌کنیم، در حالی که در قراردادهای سیاسی با توجه به قدرت نفوذ برخی کشورها از جمله آمریکا، روسیه، چین و کشورهای اروپایی در بعد تاثیرگذاری بر نهادهای بین‌المللی ضعیف تلقی می‌شویم. این نشان می‌دهد رویکرد ما از جهتی است که در آن ضعف داریم. جالب‌تر این‌که منابع اقتصادی و تجاری خود را نیز در بعدی سرمایه‌گذاری می‌کنیم که در آن ضعیف هستیم. لذا قرارداد ۲۵ ساله راهبردی ایران و چین، در مرحله اول باید یک قرارداد متوازن اقتصادی، تجاری و حقوقی باشد تا از آن بتوانیم برای رسیدن به اهداف سیاسی خود و ایفای نقش موثر بین‌المللی استفاده کنیم. به عبارت بهتر، محتوا و مبنای این قرارداد ابتدا باید اقتصادی، تجاری، حقوقی و سپس سیاسی باشد. وقتی این امر محقق شد قطعا طرف چینی (با هر کشور دیگری) در راستای حفظ یک پیمان اقتصادی متوازن حاضر خواهد بود هزینه سیاسی را نیز پردازد. اما طی یک پیمان سیاسی و غیرمتوازن (با توجه به وزن سیاسی ایران در برابر

چین) آن کشور به اهداف اقتصادی و تجاری خود خواهد رسید و لزومی در پرداخت هزینه سیاسی برای حفظ و اجرای پیمان خود نخواهد داشت.

به نظر شما این قرارداد یک گردش به چپ محسوب میشود؟ به هر حال سیاست خارجی ایران تا امروز براساس موازنه منفی نه شرقی و نه غربی بود. آیا گردش به سمت چین می‌تواند آینده سیاست خارجی ما را تعیین کند؟ // گردش، سمت و جهت در دنیای امروز دیگر به آن شکل کلاسیک مفهومی ندارد. به غیر از کشورهای غاصب، هر جایی که منافع ملی ایجاد کند با رویکرد هوشمندانه می‌توان مذاکره کرد. این‌که طرف مقابل عهدشکن بوده یا نه، به هنر دیپلماسی و آگاهی حقوقی شما برمی‌گردد. مگر این‌که مذاکره با طرف خاصی را در یک مقاطع خاص بشود استفاده کرد. مثلا مذاکره با آمریکا در آستانه انتخابات، در خصوص خود آمریکای عهدشکن، مفادی از برجام انصافا به لحاظ حقوقی آمریکا را منزوی کرد لیکن به دلیل قدرت نفوذ آمریکا در ابعاد سیاسی، ضمانت اجرایی نداشت. به هر طریق سمت و جهتی مطرح نیست.

خب با این همه آیا این وضعیت به ما نشان نمیدهد که در آینده برای کار کردن با غرب دچار مشکل خواهیم شد؟ // آیا شما می‌توانید بگویید جهت آلمان یا فرانسه و ایتالیا به کجا است؟ ما با تمام دنیا و لاجرم غرب بایستی کار بکنیم. تقسیمات غرب و شرق در دنیای امروز صرفا جغرافیایی است. دنیا یک باشگاه بدن‌سازی و قدرت‌یابی است که باید وزنه را از دست دیگران قاپید. شما وقتی وارد فروشگاه‌های آلمان، فرانسه و آمریکا می‌شوید با ملاحظه اجناس چینی این موضوع را می‌توانید به شکل ملموس درک کنید که مرزی برای اقتصاد وجود ندارد. وقتی وارد یک مترو یا نمایشگاه در چین یا اروپا می‌شوید، ملاحظه می‌کنید که همه دنیا در داخل این مترو با هم صحبت می‌کنند، مباحثه می‌کنند، تقسیم‌بندی غرب و شرق مربوط به حاکمیت‌های سیاسی است. در حوزه اقتصاد و تجارت امروزه دیگر مفهومی ندارد. خود چینی‌ها یا روس‌ها آیا در حوزه اقتصاد از تفکرات ایدئولوژیکی و سیاسی پیروی می‌کنند؟ جالب است بروز کرونا در دنیا و مشخصا آمریکا، پای اقتصاد سوسیالیستی را در حوزه درمان به آمریکا و انگلیس کشاند. این نشان می‌دهد که در حوزه اقتصاد و تجارت مفهوم غرب و شرق وجود ندارد. فقط باید محدودیت‌های اخلاقی و اعتقادی را مدنظر قرار داد.

در این بین بسیاری از حرف‌های درگوشی مردم هم شنیدنی شده، مثل مستعمره کردن ایران توسط چین؛ به لحاظ عملی چقدر امکان این موضوع وجود دارد؟ // در دنیای کنونی نه امکان بروز استعمار وجود دارد و نه کشورها به دنبال این کار هستند. الان مستعمره هزینه دارد. این خیلی نگاه بدبینانه و غیرمنصفانه است که تصور کنیم دستگاه دیپلماسی ما اجازه واگذاری بخش‌هایی از کشور را تحت پیمانی به چین دهد. من قبلا هم عرض کردم اگر سند راهبردی ایران و چین همانی باشد که منتشر شده و در فضای مجازی وجود دارد، ایران بازنده این سند راهبردی خواهد بود. مگر این‌که صحبت‌های آقای واعظی را مبنا قرار دهیم که این سند تعهدآور نیست و یک برنامه راهبردی غیرتعهدآور است. شاید زمانی در معاهدات قابل تامل تاریخ ایران، برخی افراد در عالم خود بنای خدمت داشتند، اما آنچه از دل این قراردادهای بیرون آمد، در نهایت به نفع کشور نبود. باید بپذیریم که برخی غفلت‌ها از ناحیه حتی صادق‌ترین افراد می‌تواند بار خیانت داشته باشد. در خصوص سند راهبردی ایران و چین، اصل ایجاد این سند و کلیات آن و اصل اقدام در این خصوص همانند برجام امری ممدوح و استراتژیک و قابل قبول است. اما آنچه که از محتوایی که در فضای مجازی آمده است و مشاهده شد اگر واقعیت داشته باشد، به دلیل روشن بودن تعهدات طرف ایرانی و ضمانت اجرایی آن قابل پیگیری در مجامع بین‌المللی است. در حالی که تعهدات طرف چینی مبهم، غیرشفاف و فاقد ضمانت اجرایی است.

روشن‌تر توضیح می‌دهید؟ چطور می‌شود که طرف ایرانی متعهد باشد و طرف چینی نتواند از زیر ابعاد حقوقی ماجرا فرار کند؟ // به لحاظ حقوقی در تعهدات طرف ایرانی جملاتی هست مانند «تامین گاز برای پاکستان و چین»، «چین به عنوان وارد کننده ثابت نفت از ایران»، «تعهد ایران به انتقال انرژی از غرب به شرق»، «عرضه

پایدار نفت خام به چین» و موارد متعددی حملات شبیه به این، صریح و مشخص ذکر شده است. از طرف دیگر در تعهدات طرف چینی از جملاتی نظیر «همکاری»، «توسعه» و پیشنهاد استفاده شده که مفاهیمی غیرالزام‌آور هستند. براساس این مفهوم ایران متعهد به تامین نفت و گاز چین برای ۲۵ سال شده، در حالی‌که در این سند باید این تعهدات مشروط به انجام تعهدات و تحقق درصدی از تعهدات طرف چینی می‌شد، تا همانند برجام اگر طرف خارجی به تعهدات خود عمل نکرد، بتوان با کمترین هزینه به نقطه اول بازگشت که البته برخی از این پتانسیل‌ها در برجام مغفول واقع شده است. نکته دیگر این‌که مناسفانه اصول بدیهی یک متن حقوقی برای مصالح یک کشور حتی در سطح پیش‌نویس مورد توجه قرار نگرفته است. جالب این‌که مطابق نظر مسئولین وزارت خارجه، این پیش‌نویس در همین شکل توسط طرف ایرانی تنظیم شده است. ایران تحت هر شرایطی (اگر مطابق این سند بخواهیم قضاوت کنیم) و به هر قیمتی به شکل بی‌فید و شرط متعهد به تامین انرژی، تامین امنیت و انتقال انرژی به شرق و بخصوص به کشور چین شده است. در مقابل ما شرایطی برای طرف چینی نداریم که الزام‌آور باشد. طرف چینی صرفاً متعهد به همکاری، هماهنگی و توسعه شده که واژه‌هایی بسیار مبهم است. این که توسعه به چه میزان باشد، در کجا باشد، در چه حوزه‌هایی باشد و... ابدأ بحث نشده، یا مثلاً در بحث «همکاری» مشخص نیست چه تعهداتی را شامل می‌شود و محدوده آن چه خواهد بود. همچنین در بحث مشارکت، روش و کیفیت آن معلوم نیست و اساساً چین متعهد به اقداماتی مبهم و بدون دامنه مشخص گردیده است. در حالی‌که شرح و جزئیات این اقدامات اساساً باید در سند راهبردی درج شود و در روال عادی روابط و همکاری دو کشور محقق نمی‌گردد.

خب چرا موضوع به این اهمیت از چشم مقامات کشور پنهان مانده؟ طبیعتاً در هر کدام از دستگاه‌های دولتی افرادی هستند که بتوانند معضلات قانونی قراردادهای را بیرون بیاورند. چرا تا به حال توضیحی از جانب مسئولان داده نشده است؟ // چندین سناریو خود دارد. یا طرف چینی هم متعهد به انجام تکالیف خود، به عنوان مثال تامین مالی به میزان مشخص، ظرف مدت معین گردیده یا متعهد به انجام قطعی تعداد مشخصی پروژه در بازه زمانی معین در ایران شده است. یا ممکن است متعهد به انتقال دانش فنی صنایع مشخصی در بازه زمانی معین شده باشد. مواردی از این قبیل که باید در سند ذکر و تدقیق گشته و ضمیمه شود. چون مشخصاً می‌توان انجام تعهدات از جهت کمیت و کیفیت را مشخص کرد. البته ممکن است این سند راهبردی یک معاهده، پیمان و قرارداد نباشد. بلکه به عنوان یک برنامه همکاری مشترک به آن نگاه شده که در این صورت با تأکیدات آقای واعظی، نیاز به تصویب در مجلس ندارد چرا که تعهد آور نیست. بهتر نیست این سند به مجلس رفته و بررسی شود؟ به هر حال هم به لحاظ قانونی و هم به لحاظ عرفی مجلس وظیفه دارد بر اینگونه قراردادها نظارت کند. اتفاقاً من معتقدم این سند تحت هیچ عنوانی نباید به مجلس ارسال گردد. باعث بسی تاسف است که برخی به عنوان وکیل مدافع کشور چین عمل می‌کنند و خواهان تصویب آن در مجلس هستند. در حالی‌که کشور چین است که (در صورت وجود یک قرارداد) باید خواستار طی روند قانونی تصویب باشد. اگر این قرارداد در مجلس ما تصویب شده و به عنوان یک قانون یا چیزی شبیه به آن ابلاغ گردد، در صورتی که یک روزی ما احساس کردیم که منافع ما در این قرارداد تامین نشده، امکان بازنگری در این قرارداد را نخواهیم داشت. شبیه همان کاری که آمریکایی‌ها در برجام کردند و بدون تصویب مجلس خود متعهد به اجرای برجام شدند. همین موضوع به ترامپ کمک کرد که به بهانه عدم تامین منافع ملی آمریکا از برجام خارج شود.

در نهایت پیشنهاد شما به عنوان یک کارشناس مسائل حقوقی چیست؟ // به نظر من آقای دکتر ظریف با دلسوزی و صداقتی که دارد، باید از حقوق‌دانان برجسته و ملی کشور در خصوص متن سند مشاوره بگیرد. چرا که این برنامه راهبردی، یک سند حقوقی است که براساس اصول حقوقی، منبعث از روابط و مناسبات سیاسی تنظیم می‌شود. اگر این اصول مورد بی‌توجهی قرار گیرد در نهایت کشور متضرر خواهد شد، اما اگر در موارد

حقوقی قرارداد (اینجا مساله چین نیست، هر قراردادی با هر کشوری) دقت کنیم، منافع کشور را در طولانی مدت تامین کرده‌ایم. در نهایت آنچه براساس آن قضاوت، داوری و ادعا صورت می‌گیرد و مجامع بین‌المللی به آن احترام می‌گذارند، اصول حقوقی است. چرا که مناسبات و روابط سیاسی هر روز دستخوش تغییر و تحولات هستند. من معتقدم اصل تحقق این سند قابل دفاع و اقدامی ارزشمند است. لکن محتوای آن براساس اصول حقوقی و آنچه گفته شد دارای مواردی مغفول است که باید مورد توجه قرار گیرد.



خبرنامه: - حدیث هفته (۲۰):

«حوادث ناگوار و ثواب آخرت» (بمناسبت ولادت امام الهادی "ع")

امام علی النقی الهادی که سلام خدا بر او و خاندانش باد، فرمود:

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ بَلْوَى وَالْآخِرَةَ دَارَ عُقْبَى وَ جَعَلَ بَلْوَى الدُّنْيَا لِثَوَابِ الْآخِرَةِ سَبَبًا،
و ثَوَابِ الْآخِرَةِ مِنْ بَلْوَى الدُّنْيَا عَوَضًا

خداوند دنیا را منزل حوادث ناگوار و آفات، و آخرت را خانه ابدی قرار داده است و بلای دنیا را وسیله به دست آوردن ثواب آخرت قرار داده است و پاداش اخروی نتیجه بلاها و حوادث ناگوار دنیاست.

(اعلام الدین، ص. ۵۱۲)

« نحوه جبران شکست ها »

امام علی النقی الهادی که سلام خدا بر او و خاندانش باد، فرمود:

أَذْكَرُ حَسْرَاتِ التَّفْرِيطِ بِأَخَذِ تَقْدِيمِ الْحَزْمِ

به جای حسرت و اندوه برای عدم موفقیت‌های گذشته، با گرفتن تصمیم و اراده قوی جبران کن.

(میزان الحکمه، ج. ۷، ص. ۴۵۴)



به «خبرنامه»

"انجمن دوستی ایران و چین" «««

در شبکه اجتماعی و پیام رسان "ایتا" پیوندید.

گردآوری اخبار از خبرگزاریها و رسانه های جمعی کشور،

<https://eitaa.com/joinchat/1110769700C402bc63474>

پل ارتباطی با اعضا:

(فقط پیامک): ۰۹۲۲۱۰۴۶۸۶۷

✉: icfabulliten@gmail.com

<http://ircfa.ir>